

دکتر تد هیلدبرانت ، تاریخ OT ، ادبیات و الهیات ، سخنرانی 4

© 2020 ، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت است که سخنرانی شماره ۴ تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق را در مورد ترجمه و بخش آغازین فصل ۱ پیدایش تدریس می کند.

آماده سازی آزمون [5:57-0:0]

بیا بید فقط کارهایی را که برای مسابقه روز پنجشنبه انجام می دهیم مرور کنیم. ما یک مسابقه در روز پنجشنبه، هر پنجشنبه، مسابقه، مسابقه، مسابقه داریم. این هفته ما روی پیدایش 26 تا 50 کار می کنیم. آیا ما همه اینها را یاد می گیریم یا فقط چیزی؟ - داستان های ذکر شده [اکنون در سؤالات Quizlet]. داستان هایی که در برنامه درسی فهرست شده اند، داستان هایی هستند که ما روی محتوا تمرکز می کنیم. مقاله ای از مردی به نام Sailhammer در مورد "نقشه های کیهانی" وجود دارد. آیا می توانید به آن مقاله گوش دهید و همچنین آن را بخوانید؟ می توانید به آن گوش دهید، می توانید آن را بخوانید. مقاله آنلاین است. پدر ما / ابراهیم، کتاب دکتر ویلسون، چند صفحه در آنجا ذکر شده است. در برنامه درسی نیز برخی از سؤالات را فهرست می کند. شما مجبور نیستید این سؤالات را انجام دهید. این سؤالات فقط برای هدایت تفکر شما هستند. آنها سؤالات بازتابی هستند که به شما کمک می کنند روی آنچه فصل در مورد آن است تمرکز کنید. بنابراین سؤالات صرفاً به نفع شماست. لازم نیست آنها را فهرست کنید یا به آنها پاسخ دهید یا چیزی شبیه به آن. چند آیه خاطره وجود دارد. همیشه چند آیه برای یادگیری وجود خواهد داشت. این هفته هفته سردبیر است. شما باید مطالب خود را برای ویراستاران ارسال می کردید، کاتبان باید رونوشت های شما را برای ویراستار ارسال کنند. سردبیر، این هفته پنجشنبه، آن را برای من فیلمبرداری خواهد کرد. ویرایشگر باید همه چیز را مرور کند. اگر ویرایشگر در دریافت مطالب از کسی نیز مشکل دارد و هنوز آن را تحویل نداده است، آن را وارد کنید. اگر نه، شما این را می نویسید: این شخص تا چهارشنبه آن را تحویل نداد و من مجبور شدم پنجشنبه آن را تحویل دهم. من یک نسخه چاپی نمی خواهم، هیچ فایده ای برای من ندارد. من باید آن را به عنوان پیوست یا فقط کنترل + A برای من ایمیل کنم و همه چیز را انتخاب کنید و آن را جایگذاری کنید و در ایمیل قرار دهید. در واقع احتمالاً بهتر است آن را به عنوان پیوست MS Word ارسال کنید و به عنوان پیوست برای من ارسال کنید. چیز دیگری؟ بنابراین این کاری است که ما انجام می دهیم.

یک اعلامیه دیگر ، کایل چهارشنبه شب ساعت هفت جلسه بررسی دیگری را در اینجا انجام خواهد داد.

درست است کایل؟ [بله.] بسیار خوب، ما خوب هستیم. بنابراین کایل از ساعت 7 تا 8 اینجا خواهد بود. با این حال، در اینجا تضاد منافع وجود دارد. دکتر پری فیلیپس قرار است سخنرانی بیگ بنگ را انجام دهد. او به دلیل

طوفان در مالون، ویسکانسین گیر کرده بود. او قرار است بیگ بنگ را انجام دهد، چهارشنبه شب ساعت 7:15 در Jenks 237. بنابراین اینجا یک درگیری وجود دارد، و شما می توانید یا به اینجا بیایید و این کار را انجام دهید یا پایین بروید و به پری فیلیپس گوش دهید که در مورد بیگ بنگ بحث می کند. او قصد دارد در مورد خلقت جهان بحث کند که واقعا بسیار جالب است. حالا، من راهی برای دور زدن این تضاد منافع پیدا کردم. من می خواهم پایین بروم و سخنرانی دکتر فیلیپس را فیلمبرداری کنم. حالا مشکل چیست؟ اگر دکتر فیلیپس را می شناسید، آیا حضور در آنجا خیلی بهتر است؟ مثل این است که ترجیح می دهید در یک کنسرت U2 باشید یا ترجیح می دهید آن را در یک ویدیو تماشا کنید؟ این فقط مانند بودن در آنجا نیست. بنابراین من آن را ضبط می کنم. یک هفته به من فرصت بده. من باید آن را پردازش کنم. سعی می کنم آن را به صورت آنلاین قرار دهم.

ویراستاران باید رونوشت های خود را داشته باشند و آن را تحویل دهند. اگر چیزی در رایانه خود یا هر چیز دیگری دارید و نمی توانید آن را انجام دهید، به من ایمیل بزنید، با من صحبت کنید، اما در غیر این صورت ما با آن همراه خواهیم بود. اکنون برگه های حضور و غیاب در اطراف است. نکته دیگر در حال حاضر پرداخت هزینه مطالب درسی است. به یاد داشته باشید که پرداخت خود را به من برسانید. در پایان این هفته قیمت دو برابر می شود، بنابراین شما می خواهید این کار را انجام دهید و همه چیز را به من برسانید. بسیار خوب، فکر می کنم همین. آیا کسی سوال دیگری دارد؟ بله، او می گوید اگر در کلاس وقت داشته باشیم، تقصیر من است که باید وقت بگذاریم، بنابراین در ساعت 20 بعد از 4 یکی از این نشانه ها را به من بدهید، یک نوع علائم تایم اوت فنی، و چیزی شبیه به این به من بدهید و سپس به کتاب مقدس می پردازیم.

بسیار خوب، بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم، و سپس به سخنرانی امروز می پردازیم. ای پدر، ما از تو برای مهربانی و نیکی تو نسبت به ما، و به ویژه در این کلاس که به ما اجازه دادی تا کلام تو را بخوانیم، مطالعه کنیم و در مورد آن تأمل کنیم، تشکر می کنیم. ما دعا می کنیم که امروز به ما کمک کنید تا به برخی از جزئیات پیدایش 1 پردازیم. به ما کمک کن تا از آنچه شما در خلقت انجام دادید دور نشویم، تا در میان تمام جزئیاتی که به آن می پردازیم چشم انداز نشویم، تا عظمت و عظمت تو را از دست ندهیم. زیرا ما می دانیم که آسمانها جلال تو را اعلام می کنند. ما دعا می کنیم که شما بتوانید با چشمان ما، با ذهن ما به ما کمک کنید تا جلال تو را ببینیم و حتی در این روز در نور جلال پسرت که ما را دوست داشت و زندگی خود را به جای ما فدا کرد، گام برداریم. پس به نام او دعا می کنیم، به نام مسیح، آمین.

نقد [7:51-5:58]

آخرین باری که در حال صحبت بودیم و تا کنون در دوره، اجازه دهید کل دوره را خلاصه کنیم. ما در ابتدا سعی کردیم نشان دهیم که دلایلی وجود دارد که چرا مردم به وجود خدا اعتقاد دارند. بنابراین ما شواهد مختلفی را برای وجود خدا مرور کردیم. نه اینکه آنها 100٪ چیزها را ثابت می کنند، بلکه دلایلی برای اعتقاد به وجود خدا وجود دارد. حال، وقتی خدا را داریم، خدا صحبت کرده است. فرآیند سخن گفتن خدا فرآیندی است که به

آن می گویند، وقتی خدا صحبت می کند برای چه کلمه ای استفاده می شود؟ الهام. خداوند به پیامبران الهام می بخشد. بنابراین خدا با پیامبران صحبت می کند و ما آن را الهام می نامیم. حال بعد از اینکه خدا به پیامبران الهام کرد و با پیامبران سخن گفت، پس چه اتفاقی برای قوم خدا می افتد؟ قوم خدا کتاب ها را جمع آوری می کنند. اکنون مجموعه کتاب ها بیش از هزار سال طول می کشد. موسی آن را 1400 سال قبل از میلاد نوشت، ملاکی در 400 سال قبل از میلاد می نویسد. در آنجا یک فاصله هزار ساله وجود دارد، بنابراین قوم یهود در یک دوره زمانی طولانی کلام خدا را جمع آوری می کنند. آنها آن را جمع آوری می کنند و در مکان های مقدس مختلف قرار می دهند. آیا افراد دیگری وارد می شوند و سعی می کنند کلام خدا را نابود کنند؟ بابلی ها وارد می شوند. آنها همه چیز را به آتش می کشند، این نوع تخریب. بنابراین یهودیان با آن کار می کنند، کتاب ها جمع آوری می شوند. آن فرآیند جمع آوری کتاب های معتبر نامیده می شود **تقدیس**. بنابراین شما فرآیند تقدیس را دارید که جمع آوری و تحریم کتاب های معتبر است. پس از جمع آوری کتاب ها چه کاری باید انجام دهند؟ در گام بعدی چه اتفاقی باید بیفتد؟ آنها باید بارها و بارها کپی شوند. به این فرآیند انتقال می گویند. **انتقال** کپی کردن کتاب ها از نسلی به نسل دیگر است. آیا کاتبان در فرآیند کپی کردن اشتباه می کنند؟ وقتی کاتب مطالب Vannoy، یا Putnam یا Mathewson بودید، آیا اشتباه کردید؟ بله، به همین دلیل است که شما یک ویرایشگر دارید. بنابراین، بله، کاتبان اشتباه می کنند، و آیا آنها به دلیل ضرورت بودن اشتباه می کنند؟ نه، آنها اشتباه می کنند زیرا انسان هستند. آنها سعی کردند بهترین کاری را که می توانستند انجام دهند.

فرآیند ترجمه [9:38-7:52]

حال پس از اینکه کاتبان به مدت 2000 سال کلام خدا را کپی کردند، باید از چه زبانی ترجمه شود؟ باید باشد **ترجمه** از عبری، آرامی و یونانی به انگلیسی، تا بتوانیم آن را بخوانیم. این فرآیند فرآیند ترجمه نامیده می شود. امروز می خواهیم به روند ترجمه نگاه کنیم. آیا چیزی می تواند در ترجمه گم شود؟ با عرض پوزش اگر از عنوان فیلم استفاده می کنیم، اما آیا چیزی می تواند در ترجمه گم شود؟ بگذارید فقط نشان دهم: پسر چیزی به دختر می گوید، دختر چیزی به پسر می گوید، سوال، گم شده در ترجمه؟ بنابراین همه شما می دانید که من در مورد چه چیزی صحبت می کنم. حالا شما آن را به زبان عبری قرار دهید. بنابراین چیزی که ما داریم چیزی شبیه به این است و ما می خواهیم آن را مطرح کنیم، و امروز می خواهیم روی ترجمه تمرکز کنیم، بین زبان های مختلف. آیا نسخه های مختلف و هر نسخه چیزها را متفاوت ترجمه می کنند؟ آیا آنها نظریه های متفاوتی در مورد نحوه ترجمه دارند؟ بنابراین کاری که امروز می خواهیم انجام دهیم این است که نظریه های مختلف ترجمه را مرور کنیم. سپس می خواهیم موارد مختلفی را به شما نشان دهم و سپس می خواهیم امروز به نوشتن کتاب پیدایش فصل 1 پردازم، یا حداقل شروع به آن کنم.

خب این جایی است که دفعه قبل بودیم. در اینجا فرایندهای الهام، تقدیس کردن، انتقال و ترجمه آورده شده است. این روند اساسا از خدا به ما است و فکر می کنم آخرین بار در مورد آن صحبت کردیم. حالا کاری که می خواهم این بار انجام دهم این است که کمی روی ترجمه کار کنم.

نظریه ترجمه: اشتباهات در ترجمه امثال 26:23 [KJV] [9:39-16:39]

آیا روش های مختلفی برای ترجمه وجود دارد؟ کدام یک بهتر است؟ بنابراین نظریه های مختلفی وجود خواهد داشت. کدام یک بهتر است، چرا کدام رویکرد را می خریم؟ آیا مترجمان هرگز اشتباه می کنند؟ بیایید فقط آن را جلو بگذاریم. آیا مترجمان هرگز اشتباه می کنند؟ چه کسی از نسخه کینگ جیمز در اینجا استفاده می کند؟ آیا شخص کینگ جیمز وجود دارد؟ در اینجا یک اشتباه در نسخه کینگ جیمز شما وجود دارد. حالا شما می گوئید، "هیلدبرانت تو واقعا قوی می آیی." این یک اشتباه است، اشتباه است. حالا، به هر حال، آیا من احترام زیادی برای نسخه کینگ جیمز قائل هستم؟ بله، اما سوال این است: آیا کامل است؟ پاسخ این است: نه. در اینجا مثالی در امثال فصل 26 آیه 23 آورده شده است که در نسخه کینگ جیمز [KJV] می گوید: "لب های سوخته و قلب شریر مانند خرد سفال است." آیا می دانید سفال چیست؟ در اسرائیل آنها این گلدان ها را از گلدان های سفالی می ساختند و پس از مدتی چه اتفاقی برای گلدان های سفالی می افتد؟ بله، گلدان های سفالی شکسته می شوند. بنابراین شما این تکه های گلدان را دارید که تکه های سفال شکسته شده اند. بنابراین "لب های سوخته و قلب شریر مانند خرد سفال است"، یک تکه سفال پوشیده از تفاله نقره. تفاله نقره، تفاله نقره چیست؟ ما این کار را نمی کنیم. وقتی می خواهید فلزی را تصفیه کنید با آن چه می کنید، طلا یا نقره؟ آیا آن را در آتش می گذارید و سپس به نوعی آن را حباب می زنید و ذوب می کنید و سپس خام به بالا می رود. با چیزهایی که به بالا می آیند چه می کنید؟ شما تمام خام هایی را که در بالا است از بین می برید. آیا این فلز شما را تصفیه می کند؟ شما باید این فرآیند را بارها انجام دهید و به خراش دادن چیزهای بد یا تفاله ادامه دهید. پس این تفاله نقره است. این بد است که ناخالصی ها را پاک می کنید و آن را روی قابلمه می گذارید. تفاله نقره ای را روی قابلمه می گذارید، کمی عجیب به نظر می رسد.

مترجمان کینگ جیمز، اول از همه، چه زمانی ترجمه کردند؟ 1611. در سال 1611 در جهان چه می گذرد؟ در حدود سال 1620، در آمریکا چه اتفاقی می افتاد؟ مردی به نام ویلیام برادفورد بود. آیا کسی به یاد می آورد که ویلیام برادفورد آمد و مزرعه پلیموث را تأسیس کرد؟ در ژوئن 1620، نه سال پس از ترجمه نسخه کینگ جیمز نیز صحبت می شد. به هر حال، مزرعه پلیموث، آیا مدت ها پیش است؟ پس این قدیمی است و آیا مترجمان کینگ جیمز همگی در زبان عبری متخصص بودند؟ بله، بسیاری از مترجمان در واقع در زبان عبری متخصص بودند. سوال، آیا آنها همه چیز را در مورد عبری می دانستند؟ نه. مترجمان کینگ جیمز در مقدمه به ما می گویند، صریحا اعتراف کردند که ما برخی از کلمات عبری را نمی دانیم. این کلمه "تفاله نقره" فقط یک بار در کتاب مقدس استفاده شده است. مشکل آن چیست؟ معنا توسط چه چیزی تعیین می شود؟ چه چیزی معنی را تعیین می کند؟ من حداقل حدود پنجاه بار آن را گفته ام. چه چیزی معنای یک کلمه را تعیین می کند؟ چهار چوب. وقتی

کلمه فقط یک بار استفاده می شود مشکل چیست؟ آیا در ایجاد زمینه مشکل دارید؟ این کلمه فقط یک بار استفاده می شود. بنابراین مترجمان کینگ جیمز، آنها به سراغ برخی از یهودیان رفتند. آنها گفتند این کلمه به چه معناست؟ و برخی از یهودیان این را گفتند و نزد یهودیان دیگر رفتند. یعنی چه؟ آنها چیز کاملاً متفاوتی به آنها گفتند. آنها با همه این معانی مختلف به پایان رسیدند. پاسخ آنها برای معنای این کلمه چه بود؟ آنها هم نمی دانستند. این حقیقت صادقانه است. مترجمان کینگ جیمز خاطرنشان کردند: "ما بهترین کاری را که می توانستیم انجام دادیم. ما در بهترین فرهنگ لغت هابمان نگاه کردیم، بهترین افراد خود را بررسی کردیم، و هیچ واقعا نمی دانست برخی از این کلمات چیست. این کلمات عبری کلمات نادری هستند." حالا شما می گوئید، هیلدبرانت، از کجا می دانید که این اشتباه است؟ خب، روزی روزگاری درست در شمال اسرائیل، این شمال اسرائیل 56-70 مایلی است، جایی به نام اوگاریت وجود دارد. این در لبنان است - اوگاریت. آنها این مکان را به نام اوگاریت پیدا کردند. زبانی به نام اوگاریتیک وجود دارد. بنابراین من این امتیاز تاسف بار را داشتم که مجبور شدم اوگاریتیک را یاد بگیرم. آنها 20000 عدد از این قرص ها را از اوگاریت پیدا کردند. قدمت آنها به حدود 1200 سال قبل از میلاد برمی گردد. اوگاریتیک زبان خواهر عبری است. آیا این بسیار مفید است؟ اگر اسپانیایی می دانید، آیا می توانید مقداری پرتغالی جعل کنید؟ من یک سال کامل اوگاریتیک را گذراندم و برخی اوقات داشتن این نوار واقعا مرا آزار می دهد زیرا استادام احتمالا به پرونده من رسیدگی خواهد کرد، اما من یک سال اوگاریتیک گرفتم. حقیقت صادقانه این است که من سال را جعل کردم. من اوگاریتیک را درست مثل عبری می خوانم. به عبارت دیگر، من عبری می دانستم، بنابراین کاری که کردم این بود که اوگاریتیک را گرفتم و وقتی اوگاریتیک را خواندم، فقط آن را می خواندم که انگار عبری است. من تمام سال را اینگونه خواندم. در پایان سال به عنوان یک شوخی نزد استادام رفتم زیرا نمره خوبی در کلاس گرفتم و به او گفتم، من فقط آن را می خوانم انگار عبری است. و او گفت، "بله، چون آنها زبان های خواهر هستند، بسیاری از کلمات بسیار شبیه به هم هستند." بنابراین توانستم سال را به این شکل کنار بیاورم. حالا، بگذارید به اینجا برگردم. حدس بزنید چه کلمه ای در متن اوگاریتیک ظاهر می شود؟ همین کلمه، این کلمه "تفاله ای" که ما در عبری نمی دانیم در اوگاریتیک آمده است. معنی آن این است که، و من مطمئن نیستم که آیا ترجمه را در اینجا دریافت کرده ام یا خیر، نه من ندارم. این به این معنی است که چه چیزی را روی گلدان می گذارید؟ به طور معمول روی گلدان لعاب روی آن قرار می دهید. کلمه ای که از Ugaritic پیدا کردیم و در اینجا به کار می رود به این معنی است که خرده سفال دارای لعاب روی آن است. لعاب دار است، همین، لعاب است. حالا، به هر حال، آیا این در این زمینه منطقی است که لعاب دار باشد؟ بله، این همان چیزی است که روی گلدان می گذارید. چیزی که او می گوید این است که شما کلمات پرشوری با قلبی شیطانی دارید، مانند لعاب روی یک گلدان گلی است. آیا این را می بینید؟ لعاب همه زیبا است، اما روی یک گلدان گلی است. کلمات پرشور با قلب شیطانی، مانند لعاب، لعاب بسیار زیبا، روی یک گلدان گلی است - مانند گذاشتن رژ لب روی خوک. پس این کلمه است، ما اکنون می دانیم که معنی آن چیست. شما می گوئید، "خوب، مترجمان

نسخه کینگ جیمز، آنها باید بهتر می دانستند. " چرا آنها نمی توانستند بهتر بدانند؟ زیرا اوگاریت فقط در سال 1948 پیدا شد، و صادقانه بگویم در دهه های 1950 و 60 بود که کسی حتی می توانست این متون را به خوبی ترجمه کند. بنابراین چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که وقتی افراد کینگ جیمز ترجمه کردند، هیچ راهی وجود نداشت که بدانند این کلمه به چه معناست، فقط در 70 سال گذشته پیدا شده است. پس آیا مترجمان کینگ جیمز شرور بودند؟ نه. آنها ما بهترین کاری را که می توانستند با 1611 انجام دادیم. در آن زمان اوضاع بسیار متفاوت بود و صادقانه بگویم، اکنون خیلی بهتر می دانیم. بنابراین این یکی از دلایل دور شدن از نسخه کینگ جیمز است، همانطور که اکنون بهتر می دانیم که برخی از این کلمات به چه معناست، زیرا ما برخی از این زبان های مشابه را داریم که به ما کمک می کنند تا بفهمیم چگونه ترجمه کنیم.

مسئله زبان باستانی [18:07-16:40]

خب حالا این یکی دیگر است. آیا زبان انگلیسی در 400 سال گذشته تغییر کرده است؟ در اینجا دوم قرنیتان 8: 1 این را می گوید، "ما شما را به فیض خدا می گوئیم." حالا، من از شما می پرسم، آیا اخیرا کسی را انجام داده اید که شوخ طبع باشد؟ آیا گفته ای، "مرد، من شوخ طبعی را تمام کردم. آیا کسی را برای شوخ طبعی انجام داده اید؟ آیا ما اینطور صحبت می کنیم؟" "من به شما شوخ طبعی می کنم." آخرین باری که گفتی، کی بود، "من تو را شوخ طبع می کنم؟" حالا، سپس شما سوال بعدی را می پرسید: این در مورد چه چیزی صحبت می کند؟ "من به شما شوخ طبعی می کنم." این به چه معناست؟ چطور می شود اگر آن را اینگونه ترجمه کنیم: "من می خواهم شما در مورد فیض خدا فکر کنید." آیا این منطقی است؟ "من می خواهم شما فکر کنید." آیا کسی در اینجا شوخ طبع است؟ کسی سرش را تکان می دهد. من افراد شوخ طبع را دوست دارم. شما می توانید با آن مرا غمگین کنید، زیرا من از بحث کردن لذت می برم. "من می خواهم به فیض خدا فکر کنید" این بود: "من می خواهم شما به فیض خدا فکر کنید." حالا، به هر حال، آیا امروز باید این را متفاوت از ترجمه 400 سال پیش ترجمه کنیم؟ زیرا ما دیگر افراد زیادی را به شوخ طبعی نمی کنیم. اما ما می خواهیم مردم فکر کنند و بنابراین ما این کار را به این صورت انجام می دهیم که "من می خواهم به آن فکر کنم." بنابراین زبان انگلیسی تغییر کرده است.

نظریه های ترجمه [26:47-18:08]

حالا در اینجا سه یا چهار نظریه ترجمه وجود دارد. در اینجا اولین نظریه ترجمه است. شما یک کلمه در این زبان دارید و یک کلمه در این زبان دارید. بنابراین شما را به کلمه در این زبان، و شما آن را برای کلمه در این زبان ترجمه: **کلمه به کلمه، تحت اللفظی** ترجمه. یک کلمه در این زبان، یک کلمه در آن زبان، یک کلمه آنجا، یک کلمه در اینجا، و اینگونه است که شما ترجمه می کنید. حالا می خواهم در مورد آن فکر کنید. آیا زبانی کلمه به کلمه با هم مطابقت دارد؟ این کلمه همیشه در این زبان به این معنی است. اگر به زبان خودمان، حتی اگر به انگلیسی بوستونی به شما بگویم، "ca ما"، "ما به ca خود رفتیم." "ca ما" در بوستون به چه معناست؟ "CA"

برای اکثر ما به معنای "ماشین" است. "CAR" با "r" در انتها. حالا مشکل چیست؟ وقتی می گوئید "ca"، حالا من را مجبور می کنید که آن را بگویم. وقتی می گویم "ماشین"، آیا می دانید که آیا من در مورد واگن راه آهن صحبت می کنم؟ آیا واگن راه آهن با ماشین یا ماشین متفاوت است؟ قرقر. آیا کسی از جنگ قرقر خبر دارد؟ به هر حال، شما یک "ماشین" دارید، مانند ماشینی که من با آن رانندگی کردم. سپس شما یک "ماشین" دارید مانند زمانی که نوه من تمام شده بود و با ماشین اسباب بازی بازی می کرد. آیا ماشین اسباب بازی با ماشین واقعی متفاوت است، با واگن قطار متفاوت است؟ به عبارت دیگر، شما می توانید یک کلمه را به یک زبان ببرید و همیشه آن را به روش دیگری ترجمه کنید، آیا این کار می کند؟ آیا زبان ها به این شکل یک به یک صف می شوند؟ نه، آنها به این شکل صف نمی کشند. بنابراین این کلمه به کلمه تحت اللفظی است. این یک نظریه ناقص است، زیرا زبان ها به این شکل کار نمی کنند. حالا، به هر حال، آیا کلمه به کلمه تحت اللفظی را دوست دارید زیرا بسیار خوب است؟ اگر بتوانید آنها را یک به یک تهیه کنید، واقعا آسان است و می دانید که می خواهید این کار را انجام دهید. بنابراین حدس می زنم چیزی که می گویم این است که تا جایی که می توانید کلمه به کلمه بروید، اما آیا در نهایت از بین می رود؟ بله، متفاوت است، و مشکلی که او مطرح می کند این است که برای یک آهنگ از پرتغالی به انگلیسی ترجمه می کند. حالا مشکل آهنگ چیست؟ آیا آهنگ شاعرانه تر است؟ آیا شعر بسیار دشوارتر از اجرای روایت خواهد بود؟ وقتی شعر دارید، کلمات شاعرانه با هم همراه نمی شوند. باور کنید، من این را امتحان کرده ام، نمی خواهم به شما بگویم که چند ساعت به معنای واقعی کلمه صدها ساعت را صرف ترجمه شعر عبری به انگلیسی کرده ام. در زبان عبری زیبا است اما به زبان انگلیسی می آید و من نمی توانم آن را به شعر انگلیسی تبدیل کنم. این واقعا برای من ناامید کننده است. من تلاش کرده ام، ساعت ها وقت صرف کرده ام، حداقل 10 ساعت را صرف یک بیت کرده ام تا آن را انجام دهم و نتوانستم آن را درست انجام دهم. این واقعا برای من آزاردهنده بوده است. پس آیا شعر بعد کاملا دیگری بین زبان ها اضافه می کند؟ پس کلمه به کلمه تحت اللفظ، آیا ما این را دوست داریم؟ آیا این روش خوبی است اگر بتوانید از آن خلاص شوید؟ اگر بتوانید این کار را انجام دهید، این خوب است، اما همیشه اینطور کار نمی کند. بنابراین آنها چیزی را دارند که به آن تحت اللفظی اصلاح شده می گویند. A تحت اللفظی اصلاح شده این است که آن را تا جایی که می توانید به معنای واقعی کلمه در نظر بگیرید، کلمه به کلمه، اما در برخی نقاط از بین می رود. در برخی نقاط، خراب خواهد شد. بنابراین شما یک معنای تحت اللفظی اصلاح شده را انجام می دهید، کلمه به کلمه بروید، اما وقتی کار نمی کند، باید وثیقه بگیرید.

حالا، این یک نظریه کاملا متفاوت است. به آن می گویند معادل سازی دینامیکی. حال کاری که معادل پویا انجام می دهد این است که کلمه به کلمه ترجمه نمی کند. کاری که معادل پویا انجام می دهد این است که چه معنایی را؟ -- معنا به معنا ترجمه می کند. آیا این بسیار متفاوت از کلمه به کلمه است؟ بنابراین، برای مثال، من به این کلمه فکر می کنم هیسید به زبان عبری. چه کاری انجام می دهد هیسید معنی؟ شما می پرسید، "هیلدبرانت این

به چه معناست؟ شما آن را ترجمه کرده اید، چند روش مختلف در زندگی خود دارید؟» وقتی جوان تر بودم ترجمه می کردم هیسید به عنوان "عشق". بنابراین من آن را "عشق" ترجمه کردم. شما می گوید، "او، این خوب است، "عشق". اما بعد از مدتی که این کار را انجام دادید، متوجه می شوید که این چیزی نیست که هیسید دقیقاً به معنای آن است. *Hesed* بیشتر شبیه به این است که شما می گوید، چرا ما فقط از NIV استفاده نمی کنیم؟ NIV آن را "عشق استوار" ترجمه می کند. حالا آیا "عشق استوار" کمی متفاوت از "عشق" است؟ "عشق استوار" و سپس می گوید که من کلمه "استوار" را دوست ندارم. به نظر می رسد که نمی دانم، بنابراین کلمه "عشق وفادار" را ترجمه کردم. اگر به DASV نگاه کنید، من آنجا "عشق وفادار" انجام دادم. حالا، به هر حال، آیا "عشق وفادارانه" با "عشق استوار" متفاوت است؟ آیا کمی شباهت بین "عشق استوار" و "عشق وفادار" وجود دارد؟ آیا عشق وفادار این ایده را دارد که شاید یک پیمان یا قرارداد باشد که شما به کسی وفادار هستید؟ و بنابراین من عشق وفادارانه را بیشتر دوست دارم. سپس می گوید، "به یاد داشته باشید وقتی که به کالج گریس برگشتید و گفتید که قبلاً آن را "عشق سرسخت" ترجمه می کردید. حالا آیا "عشق سرسختانه" دوباره متفاوت است، اما می بینید که من چه می گویم؟ آیا چیزی از آن را در عشق وفادار دارد؟ من عبارت "عشق سرسختانه" را دوست دارم و مدتی این کار را کردم، اما پس از آن مشکل چه بود؟ من متوجه شدم که برای اکثر مردم، آیا "سرسختی" مثبت است یا منفی؟ منفی. بنابراین فکر کردم، می دانم منظورم از "عشق سرسختانه" چیست و اما این کار نمی کند زیرا برای اکثر مردم منفی است، بنابراین "لجازی" را کنار گذاشتم و این زمانی بود که به سراغ "عشق وفادارانه" رفتم. می بینید چه می گویم؟ پس چه کاری انجام می دهد هیسید معنی؟ و پاسخ این است: نمی دانم. عشق، عشق پیمان، عشق وفادارانه، عشق استوار، عشق سرسختانه، مهربانی، می دانید چه می گویم؟ همه این ایده ها را دارد، و بنابراین این کلمه یک کلمه مالتی پلکس است. وقتی می روم آن را به انگلیسی ترجمه کنم، پیچیده تر از آن است که بتوانم آن را به یک یا دو کلمه انگلیسی تبدیل کنم. معادل پویا این است که شما سعی می کنید معنا را برای معنا انجام دهید، سعی می کنید معنی را برای این کار بگیرید و سعی می کنید معنی را در آنجا قرار دهید. سپس در نهایت، چیزی است که من آن را "دیدگاه های تصحیح شده سیاسی" از ترجمه. حالا دیدگاه تصحیح شده سیاسی چیست؟ *TNIV*، Today's New International، آنها آن را منتشر کردند، فکر می کنم در انگلستان بود. به طور کلی، چه چیزی از نظر سیاسی اصلاح می شود؟ جنسیت یکی از چیزهای بزرگی است که آنها سعی می کنند از نظر سیاسی درست کنند؟ من در جلسه ای بودم که *NRSV*، نسخه استاندارد اصلاح شده جدید را معرفی کردند. بروس متزگر آنجا بود، او یک نجیب زاده پیر و خداشناس اهل پرینستون است، احتمالاً اکنون در نود سالگی است. به هر حال مدت زیادی است که او را ندیده ام، امیدوارم حالش خوب باشد. متزگر در حال معرفی *NRSV* بود و یکی از مترجمان زن بلند شد و او *NRSV* را مورد انتقاد قرار داد زیرا در *NRSV* آنها هنوز خدا را به عنوان "او" ترجمه می کنند. او آنقدر منزجر بود که یک کتاب مقدس خدا را به عنوان "او" ترجمه می کند، زیرا این منحصر به جنسیت است. این زنان را مستثنی می کند و بنابراین وحشتناک است که آنها خدا را "او" می نامند. او

با همه این چیزها می رفت و می رفت. متزگر فقط آنجا نشسته بود، و یاد می آید، او آرنج هایش را روی این میز گذاشته است، و این زن روی "او خدا" می رود، و متزگر سرش را اینگونه دارد و او فقط آنجا نشسته و سرش را تکان می دهد. او هزار محقق دارد. متزگر فقط اینطور پیش می رود. آیا او تبری برای خرد کردن داشت؟ آیا تا به حال خواندن کتاب ایوب را دیده اید؟ شوخی نمی کنم، من جدی هستم، یک کتاب وگان برای کتاب ایوب وجود دارد. بنابراین به هر حال، آنچه من می گویم این است که آیا افراد مختلف امروز برنامه های سیاسی متفاوتی دارند؟ آیا آنها می توانند برنامه های سیاسی خود را در نحوه ترجمه خود بخوانند؟ بله. حالا، سوال، آیا آن را دوست دارید یا نه؟ خوب، من آن را دوست ندارم زیرا حدس می زنم پیرمرد هستم، اما شما احتمالا حتی متوجه تفاوت نمی شوید. زیرا چگونه می توانم بگویم، شما بچه ها از زمانی که به مهدکودک رفتید در این مسائل رایانه شخصی غرق شده اید، باور کنید یا نه. بنابراین چیزی که من می گویم این است که مراقب ترجمه های سیاسی درست باشید. این مرا آزار می دهد. وقتی کسی دستور کاری دارد که سعی می کند آن را در کتاب مقدس بخواند، من با آن مشکل دارم. من سعی نمی کنم کتاب مقدس را بخوانم. در عوض سعی می کنم به کتاب مقدس گوش دهم. نه/لوهیم یک پایان مردانه است. او است. بسیار خوب، حالا می دانید، من نمی خواهم وارد بحث فلسفی شوم، شما می دانید که جنسیت خدا. این برای زمان دیگری است. چیزی که می خواهم بگویم این است که وقتی با ترجمه کار می کنید. شما باید با منظور نویسندگان اصلی و آنچه نوشتند کار کنید. بنابراین ما باید با آن کار کنیم. بحث بزرگی بین قصد اصلی نویسنده و هرمنوتیک پاسخ اخیر خواننده وجود دارد.

امثال 10: 5 ترجمه ها [28:30-26:48]

بیایید مثالی بزنیم، و بیایید به امثال فصل 10 آیه 5 نگاه کنیم، و کاری که می خواهم انجام دهم این است که ترجمه های مختلف را مرور کنم و سعی کنم با آن بازی کنم و از آن لذت ببرم. بنابراین زیباترین ترجمه و این بهترین ترجمه ای است که من به شدت توصیه کردم، این یکی در اینجا است. آیا می بینید که چقدر زیباست؟ حالا به آن گوش دهید. به آن گوش دهید. *عوگر باقایتس بن مسکیل، نیردام باقاتزیر بن موبیش. [عبری] می بینید که چقدر زیبا به نظر می رسد؟ این عبری است. به هر حال، آیا می توانید بقاع اینجا؟ آیا می بینید که بقاع آنجا؟ آیا می بینید که او چگونه با صداها بازی می کند؟ بقاع، بقه-- آیا می بینید که چگونه پیش می رود؟ این یکی را اینجا می بینید؟-بن. آیا کسی اینجا به نام بنیامین اینجا است؟ بن این نام شماست. می بینید، به هر حال، شما دو بار به اینجا می رسیدید، بن و بن. آیا می بینید که چگونه تکرار می شود؟ به هر حال، آیا می بینید که چگونه این یکی هر دو با مم با صدای "m" "m" و آیا می بینید که این یک "sh" است، "sh" (که) "s" (w) آیا می بینید که چگونه این دو حرف یکسان هستند؟ آیا او با صدا بازی می کند؟ بنابراین او با صداها بازی می کند. سوال، آیا می توانید صداها را به انگلیسی ببرید و با صداها بازی کنید؟ به زبان انگلیسی کار نمی کند. من آن را امتحان کرده ام، باور*

کنید. این به هر حال زیبا است، متوجه می شوید که عبرانیان همیشه به این شکل می خوانند. شما بچه ها همیشه برعکس می خوانید. راست؟

KJV: نسخه کینگ جیمز (1611) [28:31-30:27]

حالا این یکی را امتحان کنید، این یک ترجمه انگلیسی است که توسط ترجمه کینگ جیمز در سال 1611 انجام شده است، در اواخر دهه 1880 به روز شد و اکنون شما یک پادشاه جیمز جدید دارید که چند سال پیش انجام شده است. اما نسخه کینگ جیمز در دهه 1880 به روز شد و KJV معمولی در واقع نسخه 1611 نیست. این نسخه دهه 1880 است. اما به هر حال، این پادشاه جیمز 1611 است، "کسی که در تابستان جمع می شود، پسر عاقلی است." آیا هیچ یک از شما "جمع می شود"؟ حالا، سوال، به محض اینکه این را می بینید، آیا این به شکل قدیمی است؟ به هر حال، آیا این را درک می کنید؟ بله، شما می دانید که فقط یک "eth" در انتها دارد. حالا شما معمولا این را نمی بینید، ما بیشتر به "et" عادت کرده ایم تا "eth". "اما کسی که می خوابد،" "می خوابد،" آیا هیچ یک از شما در کلاس من "می خوابید"، بهتر است که نه. پس تو خوابیدی. "اما کسی که می خوابد." ما نمی گوئیم "می خوابد". ما می گوئیم چه؟ خواب. بله، ما فقط یک "s" در انتها قرار می دهیم. "کسی که در محصول می خوابد، پسری است که باعث رسوایی می شود." آیا واضح است، آیا شما آن را اینگونه ترجمه می کنید؟ شما این کار را درست انجام نمی دهید؟ آیا می توانید آن را درک کنید؟ بله، شما می توانید آن را درک کنید. کینگ جیمز زیبایی خاصی دارد. صادقانه بگویم من عاشق KJV هستم، اما زبان آن تا حدودی قدیمی است. شما باید این را در نظر بگیرید. KJV یکی از بهترین ترجمه های باورنکردنی بود که تا به حال انجام شده است و به همین دلیل است که سی/چهارصد سال دوام آورد و به همین دلیل است که مردم هنوز هم از آن استفاده می کنند زیرا بسیار باورنکردنی است.

NASV: نسخه استاندارد جدید آمریکایی [28:30-31:31]

حالا، من دارم، چند مورد دیگر را به شما نشان می دهم. این KJV است و بیایید ادامه دهیم. این NASV است. استاندارد جدید آمریکایی تلاشی برای رفتن کلمه به کلمه تحت اللفظی بود - کلمه به کلمه به انگلیسی و غیره. اینگونه است که آنها سعی می کنند این کار را در اینجا انجام دهند، "کسی که در تابستان جمع می شود." حالا، آیا ما کلمه "جمع می شود" را بیشتر از "جمع می کند" دوست داریم؟ بله، پس این بهتر است، این یک پیشرفت است. "کسی که در تابستان جمع می شود، پسری است که عاقلانه عمل می کند." حالا به هر حال، آیا "پسری که عاقلانه عمل می کند"، آیا این خیلی طولانی است؟ "اما کسی که می خوابد،" اکنون این نیز یک بهبود است، "کسی که در برداشت می خوابد، پسری است که شرم آور عمل می کند." آیا این در معنای آن واضح و واضح است؟ اول از همه، بله، ما آن را درک می کنیم. این کاملا روشن می کند. پس این خوب است. آیا آنها در اینجا با "گردهمایی"، "خواب" پیشرفت هایی ایجاد کرده اند؟ آیا آنها پیشرفت هایی داشته اند؟ آیا آنها "پسری که

بی شرمانه عمل می کند" را طولانی کرده اند؟ آیا آنها به نوعی آن را بیرون کشیده اند؟ آیا شعر کوتاه و مختصر است یا طولانی و پر حرف؟

NIV: نسخه بین المللی جدید [35:05-31:31]

حالا من می خواهم NIV را در آنجا قرار دهم تا بتوانید تفاوت را ببینید. NIV می گوید: "کسی که محصولات را جمع می کند." حالا به هر حال "محصولات" از کجا می آیند؟ مترجمان NIV، آیا متوجه هستید که آن مترجمان NIV این کلمه را در آنجا اضافه کرده اند؟ کلمه "محصولات زراعی" در زبان عبری نیست. آنها به کتاب مقدس اضافه کردند. آیا این خبر بدی است؟ آنها به کتاب مقدس اضافه کردند. آیا این را می بینید؟ حالا چه کسی NIV را انجام داد؟ شما می گویند هیلدبرانت، آیا شما نگفتید که دکتر ویلسون این کار را انجام داده است؟ او روی اشعیا کار کرد نه در امثال و اتفاقا من در مورد دکتر ویلسون به شما گفتم، درسته؟ شما "خداوند چنین می گوید" دارید، این مانند، خوب، طلا خوب است. دکتر ویلسون می گوید و رفتن خوب است. می دانید من چه می گویم. حالا چرا آنها کلمه "محصولات" را در آنجا قرار دادند؟ آنها به طور جدی کلمه "محصولات زراعی" را اضافه کردند، "کسی که محصولات را جمع می کند". چرا آنها آن کلمه محصول را در آنجا قرار دادند؟ [پاسخ دانشجویی] واقعا خوب بود. بله. در انگلیسی امروزی وقتی جمع می شویم، "او که جمع می شود"، می پرسیم چه چیزی را جمع می کند؟ سوال بعدی ما چیست؟ ما می گوئیم "کسی که در تابستان جمع می شود" چه چیزی را جمع می کند؟ آیا می خواهید تیله جمع آوری کنید؟ آیا می خواهید شن و ماسه جمع کنید؟ چه چیزی را می خواهید جمع کنید؟ وقتی می گوید "محصولات زراعی" آیا این همان چیزی است که در ابتدا به معنای آن بود؟ آیا معنی کلمه «قنزیر» به این معناست؟ برای "جمع آوری محصولات" اما در واقع در یک جامعه کشاورزی، شما می گویند "جمع می کند" و آن را با برداشت محصول جفت می کنید، این چیزی است که بدیهی است که به معنای آن است. اما در روزگار ما آیا "گردهمایی" واضح است؟ نه، بنابراین آنها با گفتن "محصولات را جمع آوری می کند" آن را صریح می کنند. آیا این مفید است؟ آیا این برای ما مفید است زیرا ما در یک جامعه کشاورزی زندگی نمی کنیم؟ بنابراین "محصولات" مفید است. حالا، به هر حال، آیا این همان چیزی است که در ابتدا به معنای آن بود؟ این همان چیزی است که در ابتدا به معنای آن بود. آیا کلمه "محصولات" در زبان عبری وجود دارد؟ نه، اینطور نیست، اما در کلمه "کسی که جمع می کند" تعبیه شده است، البته، شما محصولات را جمع آوری می کنید. پس می بینید که کمی در آنجا چه می گذرد؟ "کسی که در تابستان محصولات را جمع می کند، پسر حکیم است، کسی که در هنگام برداشت می خوابد، پسری رسوا است." آیا این "پسر خردمند" را می بینید؟ آیا "پسر خردمند" [NIV] با "پسری که عاقلانه عمل می کند" [NASV] متفاوت است؟ آیا NASV واقعا طولانی و طولانی است؟ حال، من در یک ضرب المثل از شما می پرسم، آیا یک ضرب المثل باید طولانی و طولانی باشد، یا یک ضرب المثل باید تند و تیز باشد؟ "یک بخیه در زمان نه نفر را نجات می دهد." یا باید یک ضرب المثل یک جمله طولانی باشد؟ آیا یک ضرب المثل قرار است کوتاه، ترد، تند و دقیق باشد؟ آیا این "پسری که عاقلانه

عمل می کند" طولانی است؟ یا یک "پسر خردمند" کوتاه و دقیق است؟ پس آیا این با ضرب المثل ها و ایده ژانر ضرب المثل مطابقت دارد؟ آیا این شکل ادبی آن را قوی تر می کند؟ "یک پسر شرم آور" به جای "پسری که شرم آور عمل می کند". می بینید چه می گویم؟ بنابراین سوال: آیا من این ترجمه NIV را بهتر از این NASV دوست دارم؟ من شخصا آن را دوست دارم. این یکی مقداری مشت به آن دارد. کوتاه مانند امثال اگرچه "محصولات" را در اینجا اضافه می کند تا به چارچوب پس زمینه کشاورزی کمک کند و سپس "پسر شرم آور" دوباره مشت می زند و با "پسر خردمند" مخالفت می کند و "پسر شرم آور در هنگام برداشت می خوابد". به هر حال، آیا این صحبت در مورد دانشگاه است؟ بله.

NLT: ترجمه زندگی جدید [39:55-35:06]

حالا بیایید به سراغ دیگری برویم. این یکی نامیده می شود ترجمه زندگی جدید و در کتاب امثال، ترجمه زندگی جدید انواع مشکلات وجود دارد. پس بیایید به برخی از آنها نگاه کنیم. «یک جوان عاقل»، حالا به محض اینکه می بینید چیزی تغییر کرده است؟ "یک جوان عاقل". بقیه گفتند چه؟ یک "پسر" عاقل. آیا همه این را می بینند؟ آیا جنسیت را خنثی کرده اند و جوانی را به جای پسر قرار داده اند تا جنسیت انحصاری با "پسر" نباشد. آیا به همین دلیل انجام شده است؟ پاسخ این است: بله، دقیقا به همین دلیل انجام شده است. آیا کسی صفحات را درست کرده است که به آنها گفته است که این روش درستی برای انجام این کار نیست؟ بله. آیا پیشنهادات آن فرد نادیده گرفته شد؟ بله. وقتی می بازید، چه کار می کنید؟ شما شکایت می کنید و این کاری است که من انجام می دهم. بنابراین به هر حال، واقعا هنوز هم مرا آزار می دهد. "به دستورات پدرت گوش کن پسر." آیا این خیلی متفاوت از "فرزندم به دستورات پدرت گوش کن" نیست؟ بله. پسر چند سال دارد؟ این مرد سعی می کند پسرش را وادار کند که این کار را نکند، شما چگونه می گوید، با این زن ارتباط برقرار کنید یا با آن ارتباط برقرار کنید، و آیا او یک کودک است؟ حالا نمی دانم شما بچه ها به آن چه می گوید. این چیزی است که من می گویم، آیا این پدری است که به پسرش هشدار می دهد و به او می گوید که چیزی نداشته باشد. آیا این بچه بچه است؟ نه، بدیهی است که او یک بزرگسال جوان است. بنابراین چیزی که من می گویم این است که از کلمه "کودک" استفاده کنیم، چرا آنها از کلمه "کودک" به جای "پسر" استفاده کردند؟ "به پدرت گوش کن پسر"، "گوش کن فرزندم"، آیا تفاوت معنی را در آنجا می بینی؟ من فکر می کنم هر کسی می تواند تفاوت را در آنجا ببیند. سوال: وقتی ویراستار بالای شما کاری انجام می دهد، باید زبانتان را گاز بگیرید و بگویید "همین". باید بعضی اوقات آرام شوید؟ من هنوز از این بابت عصبانی هستم. فکر می کنم اشتباه است اما به هر حال، آیا برای افرادی که با آنها ترجمه کردم احترام قائل هستم؟ ویراستار بالای سر من، من حتی اسامی را به شما نمی گویم، اما آیا به آن مرد احترام می گذارم؟ بله، من از آن شخص بسیار لذت می برم و او مرا به شوخ طبعی وادار کرد. او مرا وادار به فکر کردن می کند و من فقط از او بسیار قدردانی می کنم، اما در این مورد با او مخالف بودم. بنابراین، "جوانی که ساعت فرصت را می خوابد." صبر کنید، بیایید این را تمام کنیم، "یک جوان عاقل تمام تابستان سخت کار می

کند". "محصولات برداشتی" کجاست؟ آیا "محصولات برداشتی" از بین رفته است؟ "محصولات برداشت" از بین رفته است. چرا آنها "محصولات برداشتی" را از بین بردند؟ می گوید "سخت کار می کند". آیا این نکته واقعی ضرب المثل است؟ آیا شما بچه ها نیاز به جمع آوری محصولات دارید، یا شما بچه ها باید سخت کار کنید؟ آیا این به شما معنی را می گوید، بدون تصویر برداشت محصولات؟ بله. این خوب است یا بد؟ چه اتفاقی برای استعاره محصولات و برداشت محصول افتاد؟ آیا این استعاره زیبایی برداشت محصول و محصولات است؟ بله، همینطور است، من این را دوست دارم. من دوست ندارم وقتی استعاره های من را از بین می برند. استعاره ها غنی هستند. اما آیا این به شما کمک می کند تا نکته ضرب المثل را درک کنید؟ پاسخ این است که بله. این آن را درست در چهره شما قرار می دهد، اما من ظرافت ها را دوست دارم، غنای استعاره ها را دوست دارم. بنابراین این کمی مرا هم آزار می دهد. اما من می توانم نکته را ببینم. شما استعاره ها را وارد نمی کنید، معنای استعاره را در آن قرار می دهید. به هر حال، آیا این برای افرادی که کتاب مقدس را می خوانند مفیدتر است؟ آیا آنها مطمئن هستند که نکته درستی را دریافت خواهند کرد؟ بنابراین اتفاقی که می افتد این است که شما با نکته کار می کنید. اکنون "جوانی که ساعت فرصت را از دست می دهد." ساعت فرصت چیست؟ آیا این بود که شما نیاز به برداشت زمانی که میوه رسیده است؟ اگر دو ماه پس از رسیدن میوه برداشت کنید، خوب نیست. پس آیا این دوباره نکته ضرب المثل را بدون استفاده از تصاویر برداشت به ما می دهد؟ بنابراین این به ما معنی را می گوید، این یک ترجمه معادل پویا معنا به معنا است. پس چرا او در تمام تابستان سخت کار می کند که مجموعه ای از سوالات دیگر را ایجاد می کند. اما، به هر حال، آیا شما دانشجوی، بیشتر کار هایتان را در دانشگاه یا زمستان انجام می دهید؟ شما در تابستان کار می کنید، درست است؟ آیا شما بچه ها کارهای تابستانی انجام می دهید؟ بله، شاید به همین دلیل است که هنوز هم برای کار مردم در تابستان مناسب است. اما توجه داشته باشید، "شرم آور" در مورد پسر است. آیا معنای ضرب المثل در این ضرب المثل بدون استعاره واقعا روشن است؟ بله.

پیام یوجین پترسون [43:23-39:56]

روزی روزگاری، مردی به نام یوجین پترسون وجود داشت. او در کانادا تدریس می کند و شما می دانید که کانادایی ها چگونه هستند. بنابراین، او است، چگونه باید آن را بگویم؟ او مردی خداشناس و خداشناس است که من به او نگاه می کنم. من شخصا او را نمی شناسم، اما از کارهایی که انجام داده و برخی از آثارش را خوانده ام به او نگاه می کنم. او مردی خداشناس و خداشناس است. آیا او بسیار خلاق است؟ حالا، مشکل خلاقیت چیست؟ من به شما می گویم زیرا من خودم در نقاطی بسیار خلاق هستم. وقتی خلاق هستید سخت است، مرز باریکی بین خلاقیت وجود دارد، حالا من در مورد او صحبت نمی کنم، یوجین پترسون، مرز باریکی بین خلاقیت و عجیب بودن وجود دارد. من هرگز نتوانسته ام خط را پیدا کنم. اما به هر حال، او از سوی دیگر، یک محقق خوب، محقق درجه یک و یک فرد خلاق است، و چیزهایی را مطرح می کند که وقتی آن را می خوانید می گویند، ای

کاش من آن را اینگونه ترجمه کرده بودم. این مرد یک نابغه است. چیزی که من می گویم این است که یوجین پترسون، او در دانشگاه ریجنت در ونکوور، کانادا است. او چیزی از لحظه پیشگویی و ضرب المثلی را که من نتوانسته ام آن را ثبت کنم، به تصویر می کشد. بنابراین من با تحسین به او نگاه می کنم. حالا، متفاوت خواهد بود، اما این مرد آن را تسخیر کرده است. این را بررسی کنید، این ترجمه همان آیه است: "در حالی که خورشید می درخشد، یونجه درست کنید." حالا، همینطور است؟ آیا او آن را دریافت کرده است؟ آیا می گویم "در حالی که خورشید می درخشد یونجه درست کنید؟" او این ایده را دارد که در طول تابستان سخت کار کند. او این را دارد، "در حالی که خورشید می درخشد یونجه درست کنید، این هوشمندانه است. رفتن به ماهیگیری در طول برداشت محصول، احمقانه است." حالا، اگر بخواهم کلمه ای را تغییر دهم، احتمالا این یکی خواهد بود. "احمق" آیا این واقعا قوی است؟ حالا آیا ضرب المثل واقعی قوی است؟ بله، اما فکر می کنم این کلمه را فقط یک سایه کاهش می دهم. اما آیا در اینجا نیوغ وجود دارد؟ آیا این ضرب المثل را به تصویر می کشد؟ آیا این را می بینید؟ "در حالی که خورشید می تابد یونجه درست کنید، این هوشمندانه است، در طول برداشت به ماهیگیری بروید، این احمقانه است." این است پیام کتاب مقدس. این کار توسط یوجین پترسون انجام شده است. حالا، در حالی که من به پترسون احترام می گذارم، او یک نابغه است، مشکل ترجمه یک نفر این است که آیا ممکن است مسطح، مسطح، مسطح، نابغه، مسطح، مسطح، مسطح، نابغه باشد. می دانید چه می گویم؟ آیا انسان می تواند در هر آیه نابغه باشد؟ آیا او این کار را با هر آیه انجام می دهد؟ نه، من این را انتخاب کردم، اما چیزی که می گویم این است که او این ابیات را خواهد داشت که شما فقط آنجا می نشینید و فقط لبخند می زنید. شما فقط می گویید، "او آن را دارد." حالا راستی این کلمه به کلمه است؟ نه. آیا این معادل پویا است، معنا برای معنا؟ آیا او معنای معنا را دارد؟ حالا، به هر حال، از کدام یک از این ترجمه ها استفاده می کنید؟ آیا ممکن است وقتی می خواهم لبخند بزنم که از آن استفاده کنم؟ پیام تا مرا وادار کند که در مورد این متن به روشی متفاوت از آنچه قبلا در مورد آن فکر کرده ام فکر کنم؟ پس من از این استفاده می کنم؟ آیا ممکن است از NLT یا NIV استفاده کنم؟ بله. آیا می توان از ترجمه متفاوتی در حالت های مختلف و زمانی که کارهای متفاوتی انجام می دهید استفاده کرد؟ اگر شما یک شبان هستید که سعی می کنید برای یک خطابه آماده شوید، آیا می خواهید از چیزی وحشی و حواس پرت مانند آن استفاده کنید؟ یا قصد دارید برای شروع از کلمه به کلمه تر استفاده کنید؟ در واقع اگر شما یک شبان هستید که در حال انجام موعظه هستید، احتمالا هر دو را انجام می دهید؟ بله، این یکی را دریافت کنید، آیا افراد کلیسای شما با این یکی طنین انداز می شوند؟ بله، بنابراین می دانید، بستگی به کاری دارد که می خواهید انجام دهید. البته، کاری که واقعا باید انجام دهید این است که عبری اصلی را بخوانید. بنابراین در اینجا چند نتیجه گیری وجود دارد، به نوعی در تصویر بزرگ.

بررسی کل فرآیند [46:32-43:24]

خوب، بیایید به نوعی کل فرآیند را مرور کنیم. آیا ما امروز شواهد نسخه خطی بهتری نسبت به 2000 سال گذشته داریم؟ بله. شواهد نسخه خطی بهتر از آنچه تا به حال داشته اند. آیا آموزه های عمده ای تحت تأثیر همه اشتباهات نوشتاری قرار می گیرد؟ آیا واقعا آموزه های مهمی تحت تأثیر قرار گرفته است؟ پاسخ این است: "نه". هیچ آموزه اصلی واقعا تحت تأثیر قرار نمی گیرد. شما می گوید، "او، هیلدبران، ما این همه وقت را تلف کرده ایم و هیچ آموزه ای واقعا تحت تأثیر قرار نمی گیرد. اما چیزی که می خواهم بگویم این است که دانستن اینکه کاتبان این را کپی کرده اند و اشتباهات نوشتاری وجود دارد کمک می کند، شما بهتر درک می کنید که چگونه کتاب مقدس خود را دریافت کردیم. این چیزی است که من به آن علاقه دارم، که هیچ چیز جدیدی به شما نمی دهد. ما اکنون آن را پشت سر گذاشته ایم. شما می بینید که چگونه همه چیز پایین می آید و کجا قرار است باشد. من می خواهم که شما یک دیدگاه واقع بینانه از انتقال، کپی کردن کاتبان و ترجمه داشته باشید. در فرآیندهای ترجمه فقط می خواهم شما از فرآیندهای ترجمه های مختلف و کپی برداری های مختلف آگاه باشید. باید به کلام خدا اعتماد داشته باشیم. مزیت این است که شما بچه ها اگر دوست دارید می توانید 10 یا 15 ترجمه مختلف به زبان انگلیسی را انتخاب کنید. بنابراین ما امروز از نظر اطلاعاتی در یک محیط بسیار غنی زندگی می کنیم. آیا کسی از کتاب مقدس خالص استفاده می کند؟ آیا کسی تا به حال نام کتاب مقدس خالص را شنیده است؟ بسیار خوب، یک کتاب مقدس در اینترنت وجود دارد. میزبانی آن توسط افراد واقعا خوبی برگزار می شود، دن والاس و تعدادی از این بچه ها که برخی از آنها را می شناسم، و آنها عالی هستند. به آن کتاب مقدس خالص می گویند. من واقعا از پاورقی ها لذت می برم، راهنمای مطالعه آن کتاب مقدس بسیار مفید است. همه چیز در اینترنت است. من فکر می کنم اکنون می توانید یک نسخه سفارش دهید. در واقع می توانید آن را چاپ کنید. بنابراین کثرت فکر می کنم نکته این نیست که روی نکات و تکات تمرکز کنیم، بلکه تمرکز بر معنای کتاب مقدس است، و حدس می زنم این منظور من است. زیاد روی نکات و نکات کوچک تمرکز نکنید، روی معنای کتاب مقدس و معنای آن برای زندگی خود تمرکز کنید. چگونه خدا با شما صحبت می کند و کلامش را از نظر معنای کتاب مقدس به شما منتقل می کند، به جای اینکه فقط روی کلمات و تکه هایی تمرکز کنیم که ما را ناراحت می کند. اگر خدا با ما صحبت کرده و چیزهای زیادی به ما گفته است، این کتاب باید یکی از مهم ترین راهنماهای زندگی شما باشد. سوال، آیا از خواندن افلاطون لذت می برم؟ جمهوری، من عاشق خواندن افلاطون هستم. اگر تا به حال افلاطون را نخوانده اید، افلاطون فوق العاده است. ارسطو بیشتر کار می کند، اما ارسطو یک ذهن منطقی بسیار ریاضی است. من از خواندن ارسطو لذت می برم، /خلاق نیکوماخوس و چیزهای دیگر. سوال، وقتی افلاطون، ارسطو، همه افراد بزرگ را می خوانید، این چیست؟ [ارجاع به کتاب مقدس] این کلام خداست. سوال: آیا با افلاطون متفاوت است؟ افلاطون جالب بود، چارلز دیکنز جذاب است، اما این کلام خداست. بنابراین تفاوت بزرگی وجود دارد. چگونه می توانم این را بگویم؟ این یکی از دلایلی است که من زندگی ام را

برای مطالعه این کتاب سرمایه گذاری کردم زیرا خدا صحبت کرده است. خدا در واقع صحبت کرده است، و من می خواهم بشنوم که او چه می گوید. بنابراین این یکی از مهم ترین راهنماهای زندگی است.

کاتبان اشتباه می کنند [49:46-46:33]

حال، آیا خدا از روند معیوب در حفظ کلامش استفاده کرد؟ بله او این کار را کرد. حالا، به هر حال، آیا این موضوع به نظر من است. او از فرآیندهای معیوب استفاده کرد. من می توانم ایرادات را به شما نشان دهم و برخی از نقص ها را به شما نشان دادم. حالا، آیا کاتبان اشتباه کردند؟ بله، آنها این کار را کردند. آیا می توانیم بسیاری از این خطاها را اصلاح کنیم؟ بله می توانیم. آیا خدا از فرآیندهای معیوب استفاده کرد؟ آیا او از انسان برای برقراری ارتباط با کلام خود استفاده کرد؟ آیا خدا از فرآیندهای ترجمه استفاده کرده است؟ آیا در برخی از ترجمه ها خطا وجود دارد؟ در واقع، صادقانه بگویم با شما، آیا در هر یک از ترجمه های ما اشتباهاتی وجود دارد؟ شک. حالا راستی، آیا ترجمه های امروز بسیار دقیق تر از گذشته هستند؟ آیا در ترجمه کینگ جیمز اشتباهاتی وجود داشت؟ بله، شما باید آن را بگویید. منظورم مرقس ۱۶، اول یوحنا ۵:۷ است. بله، شما چاره ای ندارید. اول از همه، می خواهم از شما بپرسم، آیا خدا از کاتبانی استفاده کرده است که اشتباه می کنند؟ حالا، اگر خدا بر آن نظارت می کرد، آیا آن افراد اشتباه می کردند؟ نه، به نظر من این نیست که ما نسخه های خطی را داریم. ما می توانیم نسخه های خطی را با هم مقایسه کنیم. این "ممکن است" نیست. آیا کاتبان اشتباه کردند؟ برخی ممکن است بگویند: "نه، شما آنجا نبودید"، اما اگر 10 دقیقه برای تحقیق در کتابخانه وقت داشتید، آیا می توانستید نسخه های خطی را پیدا کنید و در واقع نسخه های خطی را با هم مقایسه کنید، اگر واقعا می توانستید یونانی و عبری بخوانید؟ آیا می توانید این کار را در عرض 10 دقیقه انجام دهید؟ شما به من بگویید، چه نوع اشتباهات؟ خوب، صبر کنید، خوب، شما به من می گوید که به چه چیزی اعتقاد دارید، اما من نمی پرسم که شما به چه چیزی اعتقاد دارید. من می گویم نسخه های خطی چه چیزی را نشان می دهند؟ ما نسخه های خطی را داریم، می توانید این نسخه خطی را مقایسه کنید، مرقس 16 دارد، این یکی مرقس 16 را ندارد. با آن چه می کنید؟ یکی آن را دارد، یکی ندارد. اول یوحنا 5: 7 در هیچ یک از نسخه های خطی باستانی ما وجود ندارد. این در نسخه کینگ جیمز است. با آن چه می کنید؟ تنها چیزی که می خواهم به شما بگویم این است که آیا کاتبان اشتباه کرده اند؟ بله یا نه؟ من به شما نشان دادم، آیا شما متوجه هستید که من اشتباهاتی را که آنها مرتکب شده اند به شما نشان داده ام؟ من به شما نشان دادم که در صورت خود گزینه ای ندارید، این یک واقعیت است. حالا توجه کنید که من اینجا کنار کتاب مقدس ایستاده ام. وقتی نمی دانم چیزی واقعی است، به آنجا می روم. من به شما می گویم که این یک واقعیت است. مهم این نیست که شما با من موافق هستید یا با من مخالف. من می توانم یک کتاب مقدس یونانی به شما بدهم و مشکلات را در پایین، در پاورقی ها فهرست می کند. بسیاری از عهد جدید یونان این کار را انجام

می دهند. کتاب مقدس عبری نیز همین کار را می کند. قرائت های مختلف نشان می دهد که کاتبان اشتباه کرده اند. هر کاتب که هزار صفحه را کپی می کند اشتباه می کند.

مترجمان اشتباه می کنند [55:20-49:47]

ثانیا، آیا مترجمان اشتباه می کنند؟ آیا امروز تفاوت هایی در ترجمه ها به شما نشان دادیم؟ مترجمان اشتباه می کنند. بنابراین ما در آنجا چاره ای نداریم. بنابراین آنچه ما می گوئیم این است که کلام خدا بی عیب و نقص است، اما کلام خدا دارای نقص است. چه چیزی کم است؟ او در مورد چه چیزی صحبت می کند؟ در این دلیل است که من در این مورد چنگ می زنم این است که این یک نکته واقعا مهم است. و به عبارت دیگر، یک نکته واقعا بسیار بزرگ و مهم وجود دارد و این چیزی است که من سه روز است در مورد آن صحبت می کنم، و سعی می کنم شما را وادار کنم که نکته را درک کنید. وقتی خدا با پیامبر صحبت کرد، آیا ما آن را فرآیند الهام می نامیم؟ آیا الهام صد در صد است؟ آیا الهام زمانی است که خدا با پیامبر صحبت می کند و پیامبر آن را می نویسد؟ آیا این صد در صد چیزی است که خدا می خواست بنویسد؟ بله. خدا با پیامبر صحبت کرد، خدا دقیقا منظورش را گفت و پیامبر آن را نوشت. بنابراین وقتی او نقل قول می کند، فکر می کنم آنچه از شما می شنوم مزمو 119 است. وقتی او از مزمو 119 نقل قول می کند، که صد آیه ادامه می یابد و می گوید شریعت خداوند کامل است. آیا این در مورد روند الهام بخش صحبت کردن خدا با قومش است؟ بله. آیا این در مورد فرآیند نوشتن کپی صحبت می کند؟ نه، این در مورد فرآیند الهام صحبت می کند و شما باید آن فرآیندها را از هم جدا کنید. این در واقع همان چیزی است که من می خواهم به آن اشاره کنم. آیا مترجم می تواند اشتباه کند؟ آیا مردی مانند اراسموس می تواند در قرن شانزدهم آیه ای به کتاب مقدس اضافه کند؟ او نمی تواند این کار را انجام دهد، او این کار را انجام داد – اول یوحنا ۵:۷. به نسخه کینگ جیمز خود نگاه کنید. بنابراین، چیزی که من می گویم شما باید فرآیند الهام را که بی عیب و نقص است، که 100٪ است، که کلام خدا است، جدا کنید، اما وقتی آن را به دست کاتبان می دهید، کاتبان اشتباه می کنند، و مترجمان نیز همینطور. به هر حال، او از کجا می داند که مترجمان اشتباه می کنند؟ او در این کلاس است. متاسفم که واقعا ناخوشایند هستم، اما آیا کسی اینجا NLT دارد؟ بسیار خوب، اگر به NLT نگاه کنید، کسی را خواهید یافت که آن را ترجمه کرده است. سوال، آیا می دانید که من اشتباه می کنم؟ بله، من قبلا 100 اشتباه در این کلاس مرتکب شده ام. بنابراین چیزی که من می گویم این است که من یکی از مترجمان NLT بودم. آیا اشتباه می کنم؟ بله. آیا خدا از فرآیندهای معیوب استفاده می کند؟ بله. آیا او از فرآیند من استفاده کرد؟ بله، او از من استفاده کرد. بنابراین، بله. [سوال دانشجو] اما من فکر می کنم شما نکته را از دست داده اید و این چیزی است که من می خواهم بگویم. چیزی که شما در مورد آن صحبت می کنید فرآیند الهام است. خدا به پیامبری که آن را می نویسد. آیا بقیه شما بچه ها می فهمید که من در اینجا چه چیزی را می خواهم تشخیص دهم؟ بعد از کلاس بیابید و می توانیم در مورد آن صحبت کنیم، اما در واقع شما دقیقا نکته ای را که من می خواهم در اینجا بیان کنم

از دست می دهید. کاری که من سعی می کنم انجام دهم این است که شما را وادار کنم که آن را ببینید، و این احتمالاً مهمترین نکته است. این احتمالاً مهمترین نکته ای است که تاکنون در مورد آن صحبت کرده ام.

روشنایی روح القدس [55:21-53:10]

اکنون، او از کلمه الهام استفاده کرد. من می خواهم از کلمه دیگری استفاده کنم. من الهام ندارم، باشه؟ من الهام نمی گیرم. من درخواست روشنایی کردم. به عبارت دیگر، روشنایی با الهام متفاوت است. روشنایی، و او نکته خوبی نیز گفت، آیا از روح القدس می خواهیم که به ما کمک کند تا کلام را درک کنیم؟ به این "روشنایی" می گویند. حالا، به هر حال، آیا می توان آن را ناقص دانست؟ آیا تا به حال یک شبان داشته اید که یک چیز به شما بگوید و دیگری چیز دیگری به شما بگوید. دو پیام متفاوت دریافت می کنید. بنابراین چیزی که من می گویم این است که شما باید مراقب روشنایی باشید زیرا از طریق یک انسان می آید. آیا همه می شنوند که او چه گفت؟ این دقیقاً همان چیزی است که من می خواهم بگویم. فرآیند الهام بی عیب و نقص و کامل است و روند صحبت خدا با پیامبر، نوشتن آن توسط پیامبر کامل است. اما اتفاقی که می افتد این است که آن کتاب در طول 1000 یا 2000 سال کپی می شود و برخی از کاتبان، هر کسی که داریم، هر نسخه خطی که داریم تفاوت هایی بین نسخه های خطی وجود دارد. ما باید آن را حل کنیم. خدا از فرآیندهایی استفاده کرد که با آنها مشکل داشت، و بعد، به هر حال، ترجمه وجود دارد و شما مجموعه دیگری از مشکلات ترجمه بین زبان ها را تجربه می کنید. حالا، آیا می توانیم از چندین ترجمه استفاده کنیم تا سعی کنیم آن را بهتر از آنچه تا به حال داشته ایم به دست آوریم؟ اما آیا از نظر الهام بی عیب و نقص است؟ این در همان سطح با آن روند اولیه نیست که آنها در مورد آن صحبت می کنند. روند الهام بخشیدن عالی است و بنابراین ما باید آن را تشخیص دهیم. اگر این را تشخیص ندهید، گوشت مرده هستید. وقتی بیرون می روید و سعی می کنید هر کلمه ای را در این کتاب بگویید، در اینجا مشکلی وجود ندارد، یک محقق خوب، شما را تکه تکه می کند. این چیست، آیا مشکل کلام خدا است یا مشکل مترجمان NIV است؟ این یک مشکل با مترجمان NIV است. کسی NLT را دوست ندارد، آن را پاره می کند و می گوید این کتاب مقدس کلام خداست، و سپس NLT را باز می کند و مشکلی را به شما نشان می دهد. این امکان وجود دارد که هیلدبرانت می توانست آن چیز را در آنجا نوشته باشد و اشتباه کرده باشد. بنابراین می خواهم بگویم که من ناقص هستم، و بنابراین من کار می کنم و NLT بخشی از آن بود.

خداوند از روند معیوب و افراد معیوب برای اهداف خود استفاده می کند [58:33-55:22]

پس بیایید این را مرور کنیم. خدا از فرآیندهای معیوب استفاده کرد. الهام بخش فرآیند اولیه او مشکلی ندارد. مشیت الهی آن را به طور کامل حفظ نکرد. با این نسخه های خطی آنها متفاوت هستند، بنابراین خدا تصمیم گرفت که آن را حفظ نکند. چیزی که من به شما پیشنهاد می کنم این است که چرا اینطور است؟ از آنجا که خدا نمی خواست ما کتابی را پرستش کنیم، خدا می خواست که ما خودش را پرستش کنیم. بنابراین او عمداً نسخه های

اصلی را گم کرد، ما هیچ یک از نسخه های اصلی را نداریم. ما آنچه موسی نوشت را نداریم. اما پس از آن این مهم می شود. اگر خدا از فرآیندهای معیوب برای رسیدن به اهدافش استفاده می کرد، پس آیا خدا می تواند از من، یک فرد معیوب، برای تحقق اهدافش نیز استفاده کند. بله، و این نشان می دهد که خدا از افراد ناقص برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند و ما می توانیم در آن شرکت کنیم. من آن را ثروتمند می دانم. بنابراین او ما را فرا می خواند تا چیزها را مطالعه کنیم و بفهمیم و باید روی معنی تمرکز کنیم. ما باید بر معنا و تأثیری که بر زندگی ما می گذارد تمرکز کنیم، زیرا این کلام خداست. آیا ما در بهترین موقعیتی هستیم که در 2000 سال گذشته بوده ایم؟ 2,000 سال. آیا ما تئوری های ترجمه بهتری داریم؟ آیا ما نسخه های خطی بهتری نسبت به 2000 سال گذشته داریم؟ ما در بهترین موقعیت هر کسی در 2، بله، 3,000 سال هستیم. اما چه چیزی در مورد آن کنایه آمیز است؟ ما بهترین ترجمه ها را از بهترین نسخه های خطی که تا به حال انجام شده است انجام داده ایم. سوال، آیا نسل شما به این کتاب احترام می گذارد یا به این کتاب احترام نمی گذارد؟ آیا کنایه را در اینجا می بینید؟ به عبارت دیگر، موضوع روز به روز دقیق تر می شود. اکنون می دانیم که این "تفاله نقره" نیست، بلکه "لعاب" است. شما می گویند که ما می دانیم که بسیار دقیق تر از آن چیزی است که ما درک می کردیم، اما هنوز برای این نسل، کتاب مقدس از پنجره بیرون است. بله، این بخشی از ایمان است، بنابراین او به عبرانیان فصل 11 آیه 1 و بعد از آن برمی گردد، و این اساسا می گوید که ما باید ایمان داشته باشیم. بنابراین چیزی که من نمی خواهم تسلیم شوم، و آنچه که نظرات او در مورد آن بسیار درست است، این است که من نمی خواهم از این دست بکشم که وقتی خدا با پیامبران صحبت کرد، آنها آن را نوشتند، این صد در صد است. اگر آن را از دست بدهید، اگر آنچه را که او پیشنهاد می کند، پایه و اساس خود را از دست بدهید، روی یک اسکیت بورد هستید که با سرعت 60 مایل در ساعت در سراسیابی قرار می گیرد. می دانید که برخی از شما بچه ها ممکن است آسیب ببینند. بنابراین اگر آن را قطع کنید، در دردمر بزرگی قرار می گیرید. با این حال، اگر در مورد چیزهای نوشتاری و مشکلات ترجمه نمی دانید، آیا می توانید از طرف دیگر به دردمر ببینید؟ زیرا یک منتقد می تواند شما را روی زمین قرار دهد، زیرا آنها می توانند چیزهایی را در صورت شما نشان دهند، و خوب، آنها شما را جذب کرده اند. اما آنها ما را ندارند زیرا خدا کلام خود را حفظ کرده است و اکنون به همان اندازه دقیق است. بنابراین شما باید با آن کار کنید. ما در بهترین موقعیت در 2,000 سال گذشته هستیم و این آرامش بخش است.

۴ فرآیندهای خدا به ما [59:27-58:34]

در اینجا فرآیندها وجود دارد و اجازه دهید به نوعی این چهار فرآیند را بیان کنم. الهام این 100٪ است؟ الهام، 100٪، کلام خدا بی عیب و نقص است. تقدیس آنها کتاب های معتبر را با هم جمع می کنند. آیا ما کتاب ها را داریم؟ تقریبا ما این را از یهودیان به عنوان قوم خدا می پذیریم. تقدیس مجموعه ای از کتاب ها است و ما در این مورد خوب هستیم. انتقال آیا اینجاست که برخی از مشکلات کپی کردن بارها و بارها مطرح می شود؟ ما صدها هزار نسخه خطی داریم که همه با یکدیگر مخالف هستند و اینجاست که این اتفاق می افتد. شما نظریه های

مختلفی خواهید داشت **ترجمه** و مترجمان متفاوتی داشته باشند و برخی از آنها خوب خواهند بود، برخی از آنها بد خواهند بود. برخی گاهی خوب و گاهی اوقات بد. آیا می توانیم ترجمه های مختلف را با نگاه کردن به ترجمه های متعدد بررسی کنیم؟ بنابراین این فرآیندهایی است که از خدا برای ما استفاده می شود، و دوباره می دانید که من چه می گویم، منظورم این است که اینگونه است. این واقعیت واقعی و تاریخی در حال حاضر است.

مقدمه ای بر عهد عتیق: مروری کوتاه بر تاریخ [59:57-59:27]

بگذارید از آن بپرم، و ما می خواهیم به اینجا بپريم. کاری که من می خواهم انجام دهم این است که در واقع اکنون به پیدایش نگاه کنم. برای انجام این کار، قبل از اینکه به پیدایش 1 بپردازیم، اکنون در واقع می خواهیم به متن پیدایش بپردازیم. پیدایش یک کتاب آغاز است و شما آن را خوانده اید. کاری که امروز می خواهم انجام دهم این است که آیه اول و دوم را پوشش دهم. ما پیشرفت بزرگی خواهیم داشت. آیه اول و دوم، پیدایش فصل 1 آیه 1.

9 نقطه عطف در عهد عتیق [76:08-59:58]

قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، می خواهم کل عهد عتیق را در 9 نکته پوشش دهم. من می خواهم یک بررسی از کل عهد عتیق انجام دهم و سپس در دو آیه اول به پیدایش می پردازیم. بنابراین نه قدم به کل تصویر بزرگ می رسد: اول از همه، شما چیزی را دارید که آنها آن را تاریخ اولیه می نامند. حال، تاریخ اولیه چیست؟ **تاریخ اولیه** پیدایش 1 تا 11 است. زمان قبل از ابراهیم است. پس این شامل چه چیزی می شود؟ آدم و حوا، نوح و طوفان، برج بابل، اینها اساسا چیزهای بزرگ هستند. آدم و حوا، نوح و طوفان، برج بابل، همه اینها در یازده فصل اول پیدایش. آنها آن را تاریخ اولیه می نامند، قبل از ابراهیم. تاریخ ابراهیم چیست؟ 2,000 قبل از میلاد. در این کلاس من یک فرد تاریخ بزرگ نیست، اما در مورد پنج یا شش تاریخ من می خواهم شما را به دانستن برای این کلاس وجود دارد. واقعا سخت است، 2000 سال قبل از میلاد ابراهام. آیا با آن مشکلی ندارید؟ 2,000 ابراهام می خواهم آن تاریخ را بدانید. سپس چه اتفاقی می افتد؟ دوره **پدرسالاران**: ابراهام. ابراهام، اینجا در گوردون ما او را پدر خود می نامیم، فقط برای اینکه کمی آگهی بدهیم پدر ما / ابراهیم، اسحاق پسر او بود. آیا تا به حال کسی در مورد "اسحاق رابین"؟ --اسحاق (اسحاق) رابین شنیده است. امروز در اسرائیل مردی به نام اسحاق رابین وجود دارد. /اسحاق به معنای "خنده" است و شما بچه ها آن را اسحاق تلفظ می کنید، اما واقعا اسحاق است. به معنای "خنده" است. پس ابراهیم پسری به نام اسحاق دارد. آیزاک صادقانه بگویم با شما یک شخصیت بسیار جزئی است. جیکوب بزرگ است زیرا نام جیکوب به چه چیزی تغییر می کند؟ اسرائیل. سپس او چه چیزی تولید می کند؟ 12 قبیله. بسیار خوب، شما ابراهیم، اسحاق و یعقوب را دارید که 12 قبیله اسرائیل از آنجا آمده اند: یهودا، لاوی، شمعون، افرایم، منسی و غیره و تا یوسف. پس اینها پدرسالاران هستند. بعد از پدرسالاران آنها به **مصر و خروج**. به یاد داشته باشید که یوسف در مصر بود، برادران و پدر،

یعقوب، به مصر آمدند. آنها حدود 400 سال در مصر اقامت دارند. نمی خواهم تاریخ را بدانید. پس چه کسی آنها را از مصر بیرون می آورد؟ آه، شما می گوید که خدا آنها را از مصر بیرون می آورد. بله، او به نوعی آفت می زند و دریای سرخ را می شکافد. او آنها را به دست موسی بیرون می آورد. موسی: بحث بزرگی بین سال های 1400 تا 1200 قبل از میلاد وجود دارد. من نمی خواهم شما این را در این مرحله یاد بگیرید زیرا وقتی به کتاب خروج می رسم در این مورد بحث خواهیم کرد. بحث بزرگی در مورد تاریخ 1400 یا 1200 سال قبل از میلاد وجود دارد. اکنون نگران آن نباشید. خروج، عمل رستگاری بزرگ عهد عتیق است. در عهد جدید عمل بزرگ رستگاری چیست؟ این عیسی است که برای گناهان ما بر روی صلیب می میرد. در عهد عتیق، عمل بزرگ رستگاری این است که موسی مردم را از اسارت بردگی مصر خارج می کند و با آزادی به کوه سینا می رود تا شریعت خدا را دریافت کند. پس موسی نجات دهنده عهد عتیق است. عیسی به همان شکل نبود. می دانید که عیسی عیسی بود. اما موسی مردی بود که رستگاری را رهبری کرد. اکنون پس از خروج از مصر به مدت 40 سال در بیابان سرگردان هستند. **اسکان کنعان** [جاشوا/قضات]. آنها کنعان را در یوشع و داوران دستگیر و ساکن می کنند. آنها اریحا را تصرف می کنند. آنها به آی، حزور، جبعون و مکان های دیگر می روند. بنابراین یوشع و کتاب داوران. قضات هرج و مرج خواهند شد. آنها سعی می کنند زمین را آباد کنند، گاهی اوقات کار می کند، گاهی اوقات کار نمی کند. گاهی داوران برمی خیزند و مدیانیان را کتک می زنند و عمونی ها برمی گردند و آنها را شلاق می زنند. بنابراین این به نوعی رفت و برگشت با داوران است، با مشکلاتی در آنجا. اما به هر حال آنها سرزمین کنعان را می گیرند و در آن ساکن می شوند. سپس برای مدتی آرام می گیرند و می گویند، می دانید ما به چه چیزی نیاز داریم؟ ما رهبر نداریم. ما به یک پادشاه نیاز داریم. بنابراین دوره بعدی همان چیزی است که آنها آن را دوره **سلطنت متحد**. سلطنت متحد به چه معناست؟ اسرائیل با هم است، همه 12 قبیله، 13 قبیله با هم. اولین پادشاه اسرائیل کیست؟ سائول. او یک مرد بزرگ واقعی در محوطه دانشگاه است، او واقعا بزرگ است. سائول اولین پادشاه است. سائول مشکلاتی دارد و بنابراین داوود مسئولیت را بر عهده می گیرد. داوود مردی است که به دنبال قلب خود خدا است. دیوید پس تاریخ دیگری است که می خواهم شما بدانید. این 1000 سال قبل از میلاد داوود بسیار بسیار دشوار است. ابراهیم چیست؟ 2000 قبل از میلاد دیوید چیست؟ 1000 قبل از میلاد حالا دیوید یک پسر دارد به نام شلومو. منظورم سلیمان است. نام واقعی او است شلومو، اما متأسفانه شما او را سلیمان صدا می کنید. اما چیزی که من می گویم این است که وقتی اسمش را می گویم شلومو شما بچه ها عبری می دانید، وقتی که من می گویم شلومو، آیا کلمه را می شنوید؟ شلو مو. شلو مو. بله، شالوم. بسیار خوب، آیا نام سلیمان به این معنی است شالوم؟ یعنی چه؟ سلیمان مرد چه چیزی بود؟ صلح. حتی نام او را گرفتند شلومو، اسمش "صلح" بود. چه اتفاقی برای داوود و سلیمان می افتد آنها مزامیر و امثال را انجام می دهند. داوود مزامیر می کند، سلیمان امثال می کند، سلیمان چند مزامور نیز انجام می دهد، اما سائول، داوود و سلیمان چه هستند؟ اینها سه پادشاه بزرگ سلطنت متحد اسرائیل هستند. آنها بر کل ملت حکومت می کردند، به همین دلیل به آن سلطنت متحد می

گویند. به محض اینکه می گویم سلطنت متحد، حدس بزنید در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؟ **سلطنت تقسیم شده.**

بسیار خوب، و در مرحله بعد سلطنت تقسیم شده را دریافت می کنیم. بعد از شائول، داوود و سلیمان چه اتفاقی می افتد؟ سلیمان در پایان زندگی خود با همه آن زنان به هم می ریزد و پایین می رود. اساسا خدا پادشاهی را در شمال و جنوب از هم جدا می کند. شمال اسرائیل و جنوب یهودا است. ده قبیله در شمال، قبیله های زوجی در جنوب، به علاوه یا منفی. ده قبیله در شمال اسرائیل و یهودا را در جنوب می نامیدند. پس شما چه چیزی دارید؟ در شمال یک سری پادشاهان، همه آنها بد خواهند بود، هر یک از آنها. برجسته ترین کسی که می شناسید کیست؟

اخاب و ایزابل. بسیار خوب، همه پادشاهان شمال همه بد هستند. پادشاهان جنوب قرار است پادشاهان خوبی مانند حزقیا داشته باشند. برخی از آنها خوب، عمدتا بد، اما برخی از موارد خوب بودند. بنابراین اکنون مشکل این است که ما تعدادی پادشاه در شمال و تعدادی پادشاه در جنوب داریم. حالا چه کسی پادشاهان را در صف نگه می دارد؟ شما می خواهید بگویید که خدا همه چیز را در یک راستا نگه می دارد. اما خدا چگونه پادشاهان را در صف نگه می دارد؟ خدا از چه مردمی استفاده می کند تا پادشاهان را در صف نگه دارد؟ **پیامبران.** حالا می خواهم کتاب های پیامبران را به شما آموزش دهم. بسیار خوب، این خلاصه ای از کتاب پیامبران است. من می خواهم این کار را در یک کلمه انجام دهم. این پیام پیامبران است. یک کلمه: توبه. وظیفه پیامبر این بود که نزد پادشاه برود و چه کاری انجام دهد؟ به او بگوید که توبه کند. پیامبر بالا رفت و هیکل خود را به بینی پادشاه فرو کرد و به او گفت که توبه کند. پس پادشاه چه می کند؟ چه کسی پیامبر یا پادشاه را برنده می شود؟ شما بچه ها با عهد جدید آشنا هستید، و پس بیایید یکی از آخرین پیامبران را انجام دهیم. او نزد پادشاه رفت و اسمش یحیی بود. اسمش چی بود؟ یحیی تعمید دهنده، و نزد پادشاه می رود و می گوید، "پادشاه، تو این زن را داری" و او می گوید، "توبه کن." پادشاه چه می گوید؟ "خوب من این را دوست ندارم، همسرم این را دوست ندارد، بنابراین سرت از بین رفته است." و به این ترتیب یحیی تعمید دهنده بازنده است. و اتفاقا ارمیا هم همین کار را کرد؟ وقتی شما بچه ها کتاب ارمیا را می خوانید، ما فقط می خواهیم نکات برجسته ارمیا را انجام دهیم. ارمیا اساسا این را می گوید، او نزد خدا می آید و می گوید، "خداوند چنین می گوید." ارمیا نزد پادشاه می رود، "خداوند چنین می گوید، توبه کنید، وگرنه به بابل تبعید خواهید شد." ارمیا برمی گردد و خدا می گوید، "خداوند چنین می گوید." اما هر بار که ارمیا می گوید، «توبه کن»، پادشاه با او چه می کند؟ او کتک می خورد. پس پس از مدتی او گفت، "خدایا، آخرین باری که گفتم، خداوند چنین می گوید، من را به مدت سه روز در یک مخزن سپتیک گذاشتند و تقریبا در آن مواد غرق شدم، و بعد از سه روز فقط وسایل دیگران نبود، بلکه برخی از آنها وسایل خودم بود. من در سپتیک تانک بودم. چیزی که من می گویم این است که این چیز واقعی است. این چیزی است که در کتاب مقدس اتفاق افتاده است. چیزی که من می گویم این است: ارمیا تقریبا در آن سپتیک تانک مرد. او نزد خدا برمی گردد و می گوید: "خدایا، من فقط سپتیک تانک را دوست دارم، بیا دوباره این کار را انجام دهیم." نه، او نزد خدا برمی گردد و می گوید، "هی، شاید بتوانیم کمی سوار شدن به آب انجام دهیم، یا چیزی که بهتر از یک سپتیک تانک باشد؟ متاسفم،

بگذارید صاف شوم.» حالا، بسیار خوب، او نزد خدا برمی گردد و می گوید، "خدایا هر بار که به نام تو صحبت می کنم، کتک می خورم." او نزد خدا باز می گردد و این را مستقیماً به خدا می گوید. او می گوید: "این بد است، هر بار که بیرون می روم و کلام خداوند را می گویم کتک می خورم." و او شکایت کرد، "من فقط از این خسته شده ام." آیا پیامبران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند؟ بله. آیا شنیدید که چه اتفاقی برای اشعیا افتاد؟ اشعیا در حال فرار از دست پادشاه منسی بود. شایعات حاکی از آن است که او وارد شده و در داخل گودال درختی پنهان شده است. راست. آنها پیامبر را در درختی پنهان کردند. آیا می دانید آنها چه کردند؟ آنها اره ای بیرون آوردند و گفتند، این را تماشا کنید، و او و درخت را از وسط اره کردند. بسیار خوب، این اشعیا نبی است. شما می گوید اشعیا نبی بزرگ، که خداوند و همه چیز را دید. بله، در درختی که در آن از پادشاه شیطنانی پنهان شده بود، دو قسمت اره شد. حالا این جالب نیست. فقط می خواهم به شما بگویم، آیا پیامبران زندگی سختی داشتند؟ آیا من برای پیامبران احترام قائل هستم و آیا باید به این افراد احترام بگذاریم؟ بله، آنها زندگی خود را به خطر می اندازند. پس پیامبران با پادشاه می جنگند و چه کسی پیروز می شود؟ من سعی کردم به شما نشان دهم، پادشاه برنده است. با این حال، چه کسی در نهایت برنده می شود؟ بله، پیامبر در پایان رو به پادشاه می کند و می گوید: "هی، تو با من سر و کار داری، دو سال دیگر مردی." و حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ آه، بله، درست است وقتی برای نبرد بیرون می روید، خداوند به شما برکت دهد، برای شما خوب است، برای نبرد بیرون بروید، بله برو این کار را انجام دهید. خدا می گوید در نبرد شما مرده اید. حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ Ahab. بوم، پیکان، کارتان تمام است. بسیار خوب، پس بگذارید از آن پیاده شوم. در قبایل شمالی، چه اتفاقی می افتد؟ ما پادشاهی شمالی اسرائیل، پادشاهی جنوبی یهودا را داریم. نوعی شبیه قاره آمریکا. شمال و جنوب. پادشاهی شمالی، ده قبیله، آن ده قبیله به آشور برده می شوند. آشور کجاست؟ پایتخت آشور کجاست؟ نینوا. به محض اینکه بگویم نینوا چه کسی به ذهنم خطور می کند؟ یونس و نهنگ، این داستان پشت یونس و نهنگ است. بنابراین آنها در سال 722 قبل از میلاد به آشور می روند، پادشاهی شمالی، ده قبیله در شمال به نینوا برده می شوند و در سراسر جهان پراکنده می شوند. چه مدت است که آن ده قبیله پراکنده شده اند؟ آیا آنها تا به امروز پراکنده هستند؟ به من بگویید که بیشتر یهودیان در این دنیا کجا زندگی می کنند؟ شهر نیویورک. این حقیقت صادقاته است. پس نیمی دیگر از آنها کجا زندگی می کنند؟ در اسرائیل و اتفاقاً، آیا مشکلات بزرگی در افق های زندگی در اسرائیل وجود دارد؟ می خواهی ببینی، من چنین پیامبر بزرگی نیستم، می خواهم اینجا قدم بزنم. من فقط می خواهم به شما بگویم، آیا اسرائیل در چهار سال آینده در اینجا با مشکل مواجه خواهد شد؟ آیا در حال حاضر افرادی هستند که سلاح تولید می کنند؟ و در واقع آیا آنها فقط آن نیروگاه هسته ای را در ایران افتتاح کردند، 60 وات برق، و آیا آنها به زودی آن نیروگاه هسته ای را به 1000 مگاوات افزایش می دهند؟ در حال حاضر در حال تولید است. 2 روز پیش چه چیزی بود که آنها آن را اعلام کردند؟ ایران مواد هسته ای تولید می کند. پرسش، آیا آنها قبلاً گفته اند که به دنبال نابودی کامل اسرائیل هستند؟ من می ترسم که شما این را در زمان حضورتان در گوردون اینجا ببینید.

شما می بینید که چنین اتفاقی می افتد. به هر حال، من فقط این را نمی سازم. چگونه باید آن را بگویم، من واقعا به مطالعه این چیزها علاقه دارم، و این واقعا، واقعا بد است. نمی دانم، حدس من این است که شما خواهید دید که خدا کارهایی را انجام می دهد که باورنکردنی است. زیرا، آیا خدا اجازه داد قومش کاملا نابود شوند؟ نه، و بنابراین چیزی دیدنی وجود خواهد داشت. نمی دانم، حدس من این است که بگذار پیاده شوم، این همه حدس و گمان بود. این همه حدس و گمان بود، آیا این را درک می کنید؟ اما، قبایل شمالی تا به امروز پراکنده شده اند؟ آیا کتاب مقدس می گوید که قبایل شمالی دوباره گرد هم خواهند آمد؟ پس از تقریبا 3000 سال، آیا قبایل یهودی دوباره جمع شده اند؟ کتاب مقدس پیش بینی می کرد که آنها دوباره جمع خواهند شد و مطمئنا این همان چیزی است که اتفاق افتاده است. در سال 1948، شما باید چند هزار سال صبر می کردید تا این اتفاق بیفتد. آیا کلام خدا بی عیب و نقص است؟ آیا آنچه خدا گفت اتفاق می افتد؟ و باید 2000 سال صبر می کرد. به هر حال، آیا می توانید در مورد کشور دیگری بگویید که 2000 سال پراکنده بود و دوباره به یک کشور تبدیل شد؟ لطفا یکی دیگر را به من بگویید؟ چند کشور داشته ایم که این کار را انجام داده ایم؟ اسرائیل. آیا کسی یک زبان مرده را نیز احیا کرده است؟ هیچ کسی، به جز اسرائیل. پس آنچه در ادامه اتفاق می افتد، اکنون پادشاهی شمالی به آشور برده شده است، 722 قبل از میلاد، پادشاهی جنوبی یهودا. حالا چه مشکلی با پادشاهی جنوبی یهودا وجود دارد؟ پایتخت آن در اورشلیم است و در سال 586 قبل از میلاد بابلی ها وارد می شوند و معبد اول را در سال 586 ویران می کنند. چه کسی این معبد را ساخته است؟ سلیمان. سلیمان این معبد را درست پس از 1000 سال قبل از میلاد می سازد. در سال 586 بابلی ها وارد می شوند. آیا آنها کاملا معبد را تسطیح می کنند؟ آنها کاملا معبد را تسطیح می کنند. آنها کشتی را بیرون می کشند. این دریا، این دریای بزرگ برنزی عظیم، آنها آن را تکه تکه می کنند، و همه چیز کاملا هموار شده است. آنها به بابل تبعید می روند. به هر حال، چه کسی به بابل می رود؟ مردی به نام، اسمش چه بود که شیرها و لانه ها را دوست داشت؟ دانیال، شادراک، حزقیال و همه آنچه در بابل اتفاق می افتد. حالا، به هر حال، آیا ارمیا نبی به آنها گفت که به بابل می روند؟ آیا ارمیا نیز به آنها گفت که فقط 70 سال در آنجا خواهند بود؟ و پس حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ پس از 70 سال در بابل آنها بازگشتند، بازگشت. عزرا، نحمیا و استر و شما داستان های بازگشت بزرگ را دارید. یهودیان از بابل آزاد شدند و به سرزمین بازگشتند. نحمیا دیوارها را می سازد و برخی از این افراد معبد دوم را می سازند. چرا معبد دوم مهم است؟ معبد اول ویران می شود، معبد دوم ساخته می شود. چرا معبد دوم اینقدر مهم است؟ چه کسی به معبد دوم می آید؟ عیسی. این معبد است، این بچه ها در ساختن معبد دوم نقش دارند. عیسی وارد آن خواهد شد، این معبد را ویران خواهد کرد، و چند روز دیگر؟ سه روز او آن را بلند خواهد کرد، این عیسی است. سرانجام ملاکی، در 400 سال قبل از میلاد، عهد عتیق را در 400 سال قبل از میلاد به پایان می رساند. حالا بین 400 سال قبل از میلاد و صفر با عیسی چه اتفاقی می افتد؟ بله، آن زمان بود که آپوکریفا نوشته شد. بنابراین اگر بخواهید بدانید که در آن 400 سال چه اتفاقی افتاده است، چیزی شبیه به 1 و 2 مکابی را خوانده اید، آنها تاریخ آن دوره را بازگو می کنند.

اما عهد عتیق با ملاکی 400 سال قبل از میلاد به پایان می رسد. و شما می گویند، هیلدبرانت، برای این دوره چه چیزی باید بدانیم؟ واقعا سخت است. آنچه شما باید بدانید سه تاریخ تا کنون. سه تاریخ: ابراهیم 2000 قبل از میلاد، داوود 1000 قبل از میلاد، ملاکی 400 قبل از میلاد آیا این سخت است؟ 2000، 1000، 400 قبل از میلاد، و این به شما نوعی چارچوب برای عهد عتیق می دهد.

ایجاد [79:30-76:09]

خب، حالا بگذارید این چیز دیگر را در مورد خلقت تنظیم کنم. خلقت، پس چه؟ آیا فرقی می کند که جهان خلق شده باشد یا اینکه همه چیز فقط یک فرآیند تکامل است؟ آیا فرقی می کند که جهان خلق شده است یا جهان تازه تکامل یافته است؟ آیا تفاوتی ایجاد می کند؟ پاسخ این است که بله، این یک چیز بزرگ است. آیا خدا می توانست از فرآیندهای تکاملی برای تحقق اهداف خود استفاده کند؟ بله، او می توانست داشته باشد. آیا بحث بزرگی وجود دارد؟ آیا افرادی را دارید که خلقت گرا هستند و می گویند که خدا وام بام را آفریده است و همه چیز به همان شکلی که بود آفریده شده است؟ آیا افراد دیگر فرآیندهای تکاملی بیشتری را پیشنهاد می کنند مانند اینکه من به برخی از شما نگاه می کنم، برخی چشمان آبی دارند، برخی چشمان قهوه ای دارند، برخی از شما رنگ های متفاوتی دارید. آیا این سوال در طول زمان ایجاد شده است، به عنوان مثال رنگ های مختلف چشم؟ چقدر تکامل را مجاز می دانید؟ آیا برخی از مسیحیان هستند که معتقدند خدا آفریده است اما از تکامل به عنوان یک فرآیند به طور گسترده ای استفاده کرده است؟ بله، برخی از مردم به این سمت می روند. افراد دیگر بیشتر هستند، شما می دانید که خدا آفرید، آفرید، و این بود و به نوعی انجام شد. بنابراین شما در واقع این بحث بزرگ را در کلیسای مسیحی دریافت می کنید. حتی، به هر حال، ما حتی بحثی در اینجا در کالج گوردون داریم که چقدر و چگونه فرآیندهای تکاملی را به برخی از این بحث ها یا خارج از آن مقیاس می کنید. این چه تاثیری بر weltanschauung شما دارد؟ این چه تاثیری بر جهان بینی شما دارد؟ من این کلمه را دوست دارم weltanschauung. این یک کلمه آلمانی است که به معنای "جهان بینی" است. اگر خود را به صورت خدا آفریده شده می بینید، آیا این بسیار متفاوت از "من تازه از میمون ها تکامل یافته ام" است. منظورم این است که جهان بینی شما را تحت تأثیر قرار می دهد. چرا کتاب مقدس نمی تواند در مورد فرآیندهای تکاملی صحبت کند؟ فرآیندهای تکاملی، چه زمانی اصلا در مورد آن چیزها صحبت می شد؟ آیا در قرن نوزدهم بود، درست است؟ با نام آن مرد چیست؟ بله، چارلز داروین. به عبارت دیگر، چیزی که من می گویم این است که هیچ فرآیند تکاملی در کتاب مقدس وجود ندارد زیرا آنها هیچ سرنخی از این چیزها نداشتند. آنها در قرن 19 و 20 توسعه یافتند. بله، ممکن است خدا چیزهای بیشتری از آنچه اکنون می دانیم به آنها گفته باشد. تنها چیزی که ما داریم کتاب مقدس است، خدا می توانست خیلی بیشتر به موسی نشان دهد. من باید راه بروم، اینجا. برخورد خدا با موسی است. آیا خدا با موسی رو در رو برخورد کرد؟ و خدا به موسی می گوید، خوب روز اول من این کار را کردم. من نمی

دانم که آیا او یک ویدیوی سه بعدی پخش کرده است یا خیر، و خدا می گوید، "بسیار خوب، این موسی را تماشا کنید، این کاری است که من انجام دادم. ما آن را روی یک صفحه ثبت کردیم." حالا می فهمید که من همه اینها را درست کردم، اما چیزی که می گویم این است که نکته ای که او مطرح می کند واقعا نکته خوبی است. آیا ممکن است که موسی بیشتر از آنچه خدا به او نشان داد می دانست؟ بیشتر از آنچه او نوشت؟ من خانه ام را روی آن شرط می بندم، بله. اما اکنون نمی دانم او چه چیزی را به او نشان داد و چگونه این کار را انجام داد، اما این واقعا نکته خوبی است.

سن زمین [80:25-79:30]

کتاب مقدس می گوید زمین چند ساله است؟ این یک سوال واقعا مهم است. شما بچه ها پیدایش 1 تا 11 را خوانده اید. کتاب مقدس می گوید زمین چند ساله است؟ آیا کسی آیه ای در این مورد دارد؟ لطفا یک بیت به من بدهید؟ ببخشید این یک مسابقه است، آیا پیدایش 1 تا 11 را خواندید؟ کتاب مقدس می گوید زمین چند ساله است؟ او می گوید هفت روز، این پاسخ خوبی بود. آیا کتاب مقدس به شما می گوید که زمین چند ساله است؟ آیا آیه ای در تمام کتاب مقدس وجود دارد که این را به شما بگوید؟ صفر، این اتفاق نمی افتد. آیا بر اساس کتاب مقدس می دانیم که زمین چند ساله است؟ ما این را نمی دانیم. کتاب مقدس نمی گوید. حالا، به هر حال، آیا این اعتراف بسیار مهم است؟ هیچ آیه ای در تمام کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید زمین چند ساله است. بنابراین این نکته بسیار مهمی است که باید پایین بیاید.

پیدایش فصل 1 آیه 1 و فصل 2 آیه 2 [81:38-80:26]

حالا، کاری که می خواهم دفعه بعد انجام دهم این است که به رابطه پیدایش فصل 1 آیه 1 و پیدایش فصل 1 آیه 2 نگاه کنم. «در آغاز، خدا آسمان ها و زمین را آفرید. و زمین «چی؟» «بی شکل و خالی بود و تاریکی بر روی اعماق بود.» رابطه پیدایش فصل 1 آیه 1 با پیدایش فصل 1 آیه 2 چیست؟ ما به سه روش مختلف برای رسیدگی به آن نگاه خواهیم کرد و سپس پیامدهای آن برای دایناسورها، شیطان و بیگ فوت را بررسی خواهیم کرد، ما آن را پوشش خواهیم داد. حال، کتاب مقدس. همه بلند شوید. ما باید این کتاب مقدس را برای شما بچه ها تمام کنیم، بنابراین می خواهیم چندین بار در اینجا آن را مرور کنیم.

رونویسی شده توسط بریتنی ماتیولی خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت